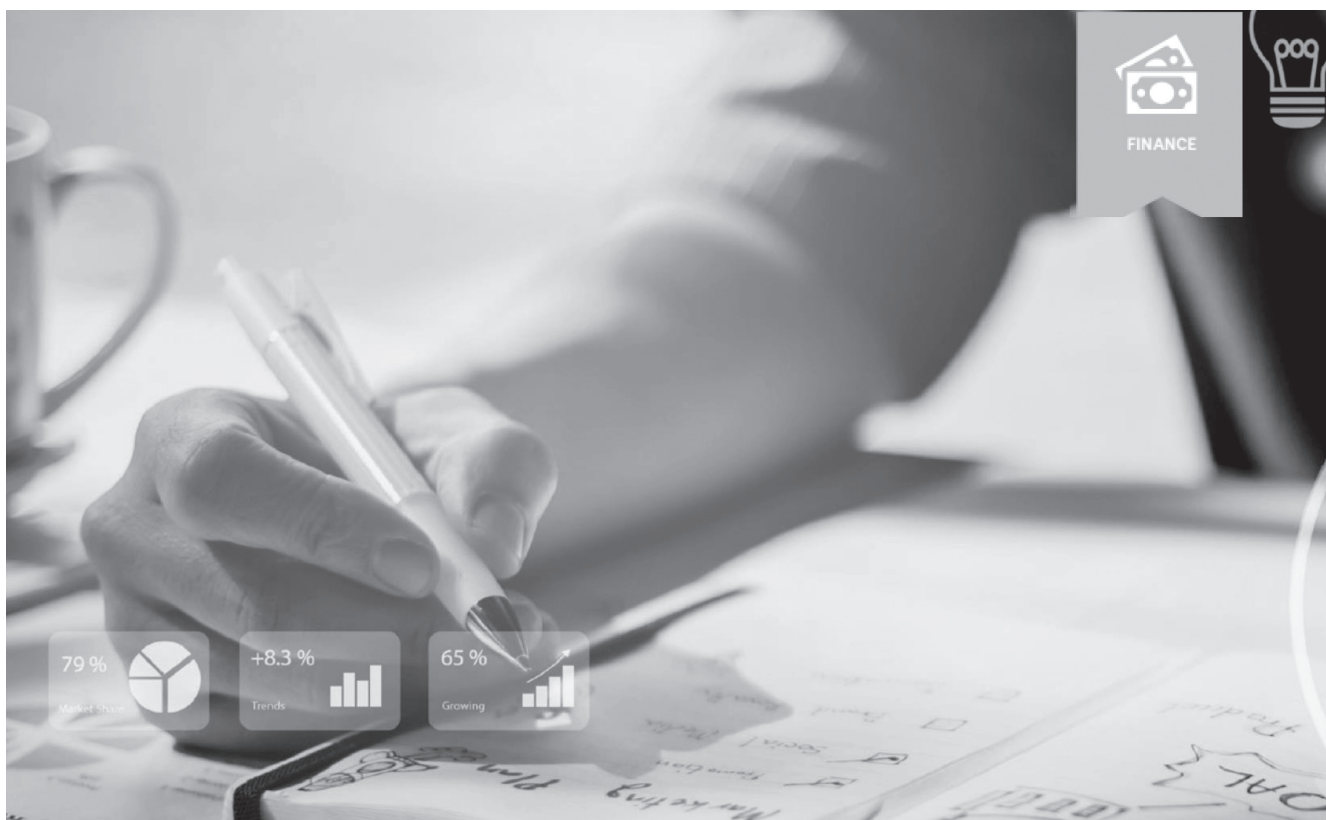




FINANCE



ذخیره‌گیری حسابداری در چارچوب زیان اعتباری مورد انتظار: استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ (IFRS 9) در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه - مجموعه‌ای از پیشنهادها در حوزه سیاست‌گذاری

E3io Caruso
Katia D,Hulster.
Tatsiana Kliatakova
Juan Orti3

مرتضی اسدی
الهه مهدوی ثابت

خلاصه اجرایی

در سال ۲۰۰۹، گروه بیست (G-20) در نشست لندن خود به استانداردگذاران حسابداری توصیه کرد که «شناسایی ذخایر زیان وام در حسابداری را با گنجانیدن طیف وسیع‌تری از اطلاعات اعتباری تقویت کنند» (G20 2009). هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) در واکنش به آن، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ (IFRS 9) را در ژوئیه سال ۲۰۱۴ صادر کرد. این استاندارد جدید در ژانویه سال ۲۰۱۸ اجرایی شد و رویکرد زیان اعتباری موردانتظار (ECL) را معرفی کرد که جایگزین زیان اعتباری تحمل‌شده طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ (IAS 39) شد که در آن زمان اجرا می‌شد. استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ (بند ۵۹) ذخیره‌گیری حسابداری را تنها در صورت وجود «شواهد عینی از کاهش ارزش» مجاز می‌دانست که بدون پذیرش زیانها به‌خاطر رویدادهای آتی بود و در نتیجه موجب ذخیره‌گیری «خیلی پایین و خیلی دیر» می‌شد. در مقابل، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ تمهیداتی برای زمان ذخیره‌گیری پیش‌بینی کرده است که با ملزم‌کردن بانکها به شناسایی زیانها در

مراحل زودتر چرخه اعتباری و حتی در مرحله اعطای وام صورت می‌گیرد.

این مقاله به یک نظرسنجی و نشستهای دوجانبه با نهادهای ناظر بانکی^۵ متکی است. ما یک نظرسنجی انجام دادیم برای: (الف) شناسایی چالشهایی که بانکها و ناظران، در کشورهایی که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را پیاده‌سازی کرده‌اند، با آن مواجه‌اند و (ب) درک دلایل تصمیم تعویق‌گذار به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ در کشورهایی که هنوز چارچوب حسابداری جدید را پیاده‌سازی نکرده بودند. این نظرسنجی را به ۱۸۴ کشور و اقتصاد در تمامی مناطق ارسال و ۹۱ پاسخ دریافت کردیم. تنها ۷ پاسخ از کشورهای با درآمد پایین، در حالی که ۲۰ پاسخ از کشورهای با درآمد متوسط روبه‌پایین دریافت شد (برای مشاهده آمار کامل درآمد به تفکیک منطقه به جدول شماره ۱ مراجعه کنید). در زمان تفسیر پیشنهادهای ما، لازم است محدودبودن تعداد پاسخهای دریافتی از کشورهای با درآمد پایین را در نظر داشت.

همچنین، نشستهای دوجانبه‌ای با شش نهاد ناظر بانکی (بانک مرکزی جمهوری مقدونیه شمالی، بانک مرکزی ایتالیا، بانک مرکزی برزیل، بانک مرکزی تایلند، بانک مرکزی آفریقای جنوبی، بانک مرکزی رواندا)^۶ با هدف درک عمیق‌تر چالشهای آنها در پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ برگزار کردیم. آنها به‌گونه‌ای انتخاب شدند که از تنوع بیشتر تجارب دریافتی، چه از نظر مناطق (اروپا، آمریکای لاتین، آفریقا، جنوب شرق آسیا) و چه از نظر سطح درآمد (اقتصادهای پیشرفته و نوظهور)، اطمینان حاصل شود. با توجه به تجربه کشورهای بررسی‌شده و بازخوردهای آنها درباره چالشها و راهکارهای احتمالی مورد استفاده آنها در زمان پیاده‌سازی چارچوب حسابداری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، مجموعه‌ای از توصیه‌های سیاست‌گذاری کلی را برای نهادهای ناظر بانکی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه (EMDEها)^۷ که به گذار به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ تمایل داشتند، شناسایی نمودیم.

این نظرسنجی (برای بررسی کامل آن به بخش ۲ این مقاله

مراجعه کنید) چندین چالش را شناسایی کرد که بانکها و ناظران در پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ با آن مواجه بودند. مهمترین چالشهای گزارش‌شده، دسترسی به داده‌ها و کیفیت پایین داده‌ها، ریسک مدلسازی، و اتکای بیش از حد به قضاوت مدیریتی بود. مطابق با این نظرسنجی، اکثر پاسخ‌دهندگان، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را اعمال می‌کردند؛ حتی زمانی که با درجه بالایی از ناهمگونی در مرزهای کاربرد آن مواجه می‌شدند. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ در ۵۳ کشور از نمونه ما استفاده می‌شود. در ۲۵ کشور دیگر نیز، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ تنها به موسسه‌های مالی خاص، و بسته به عواملی نظیر اندازه موسسه مالی، بورسی یا غیربورسی بودن، و این که صورتهای مالی جداگانه یا تلفیقی هستند، اعمال می‌شدند. از یک سو، وضع استانداردهای حسابداری یکسان برای تمامی موسسه‌های مالی، موجب اجتناب از سیستمهای حسابداری دولایه یا چندلایه^۸ (بانکهای بورسی یا غیربورسی، صورتهای مالی تلفیقی یا جداگانه، بانکهای بزرگ یا کوچک) می‌شود و گزارشگری قانونی را استانداردسازی می‌کند. از سوی دیگر، نشستهای دوجانبه حاکی از آن بودند که بانکهای کوچک‌تر ممکن است در ایجاد مدل زیان اعتباری موردانتظار داخلی آن هم در زمانی که منابع استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌شدت مورد تقاضا هستند، مشکل داشته باشند و می‌توانستند تصمیم به برون‌سپاری این فرایند با ظرفیت محدود در مدیریت ریسکهای مرتبط (اتکا به شخص ثالث، تضاد منافع ارائه‌دهنده، امنیت داده‌ها، حقوق فسخ و غیره) بگیرند. بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه ظرفیت محدود کارکنان نیز یکی از مهمترین موانع برای نهادهای ناظر بانکی، به‌ویژه برای بانکهای محلی، گزارش دادند. با توجه به تفاوت قابل ملاحظه اثر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بر بانکها در قلمروهای حاکمیتی مختلف، اکثر نهادهای نظارتی در زمان دوره‌گذار و پیاده‌سازی، دستورعملهایی را برای بانکها صادر می‌کردند تا تاثیر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بر بانکها تعدیل شود.

به‌علاوه، از میان ۹۱ پاسخ‌دهنده، ۱۳ پاسخ‌دهنده هنوز استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را پیاده‌سازی نکرده‌اند،

ولی اکثر آن‌ها قصد دارند این کار را طی یک تا سه سال آینده انجام دهند. برخی از مقامها عنوان کردند که برنامه‌های آن‌ها ممکن است زیر تاثیر همه‌گیری کووید-۱۹ باشد که به خاطر اولویت‌بندی فعالیتهای نظارتی حساس و همچنین تاثیر نامشخص استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بر بانکها بود. اگرچه این امر نشان می‌دهد اکثر پاسخ‌دهندگان استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را پیاده‌سازی کرده‌اند و یا به‌زودی این کار را خواهند کرد، مشخص نیست که کشورهای دیگری که به نظرسنجی جواب ندادند (۹۳)، آن را اجرایی کرده‌اند و یا به‌زودی پیاده‌سازی می‌کنند؛ به خصوص کشورهای با درآمد پایین، که سهم بزرگی از کشورهایی که به نظرسنجی پاسخ ندادند را تشکیل می‌دادند (۶۷ درصد).

بانک جهانی نقش پیش‌تازگی در ترویج تدوین و استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سراسر جهان داشته است. شیوه‌های ارزش‌گذاری منطبق بر استانداردهای حسابداری مورد پذیرش بین‌المللی موجب ارزیابی قوی ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک نقدینگی می‌شود. در مورد بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه، این امر در جذب سرمایه‌گذارهای خارجی اهمیت دارد. با وجود این، نهادهای ناظر بانکی باید آمادگی کافی برای حرکت در این مسیر را داشته باشند (به بخش ۳ مراجعه کنید). تا جایی که قانون و مقررات اجازه می‌دهد، نهادهای ناظر بانکی باید قضاوت صحیحی در رابطه با متناسب بودن اقدامات اتخاذ کنند: تحمیل به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تنها به بانکهای دارای اندازه مشخص (که بر حسب جمع داراییها یا داراییهای **موزون‌شده با ریسک**^۹ اندازه‌گیری می‌شود) پایبندی به اصل تناسب است، ولی ممکن است موجب تکه‌تکه شدن بیش از حد چارچوب حسابداری و گزارشگری شود. در مقابل، ملزم کردن تمام بانکها به اعمال استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ممکن است موجب برون‌سپاری محاسبه زیان اعتباری موردانتظار در موسسه‌های اعتباری متوسط و کوچک، آن هم بدون درک مدل پایه شود. ناظران همواره باید بانکها را ملزم به درک مناسب مدل زیان اعتباری موردانتظار، و همچنین فرایندهای راهبری دقیق و کنترل داخلی برای ارزیابی تامین‌کنندگان برون‌سازمانی کنند.

آن‌ها باید برنامه آماده‌سازی جامعی تدوین نموده، گذار به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را به راهبرد تبدیل کنند و هیئتهای مدیره و مدیریت ارشد بانکها را از اهمیت این چالشها آگاه نمایند. لازم است انتظارهای نظارتی شفاف، به-موقع، و جامعی از چارچوب زیان اعتباری مورد انتظار وضع کرد و از تطابق میان معیارهای طبقه‌بندی اعتباری و فرایند مرحله‌ای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اطمینان حاصل نمود. نهادهای ناظر بانکی باید میان انعطاف‌پذیری و نظارت بر معیارهای ورودی و خروجی نیز تعادل برقرار کنند و از مراحل ۲ و ۳^{۱۰}، پشتیبانیهای احتیاطی از ذخیره‌گیری را لحاظ کنند. به‌منظور کاهش **دوره‌ای بودن**^{۱۱}، ناظران باید از سیاستهای احتیاطی کلان متشکل از **سپردهای سرمایه حفاظتی**^{۱۲} استفاده کنند که امکان آزادکردن آن در زمان فشار مالی وجود دارد. آن‌ها همچنین باید از سازوکارهای گذار نیز استفاده کنند.

شیوع کووید-۱۹، اولین آزمون واقعی برای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ است. نگرانیها درباره اثر چرخه‌ای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ ممکن است موجب تاخیرهای بیشتر در پیاده‌سازی آن، به‌رغم انعطاف‌پذیری موجود در استاندارد مبتنی بر اصول تبیین‌شده توسط **نهادهای استانداردگذار** (SSB)^{۱۳}، بانکهای مرکزی و نهادهای ناظر بانکی آن‌ها شود (برای اطلاعات بیشتر درباره استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و کووید-۱۹ به کادرهای ۱، ۲ و ۳ مراجعه کنید). کشورها ممکن است همچنان پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را با توجه به دشواریهای ارائه پیش‌بینیهای منطقی و قابل‌پشتیبانی برای برآورد زیان اعتباری موردانتظار، به‌دلیل نامشخص بودن و دوره همه‌گیری به تاخیر بیندازند. تصمیم صحیح در حوزه سیاست‌گذاری باید بر مبنای ارزیابی مستمر و گسترده پیش‌شرطهای لازم برای پیاده‌سازی موثر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ (و به‌طور کلی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی)، از جمله سابقه و کیفیت حرفه حسابرسی مستقل، راهبری قوی و سازوکارهای مدیریت ریسک در بانکها، و همچنین تجربه و تخصص مدلسازی ریسک اعتباری در بانکها و باکارکنان نظارتی، صورت بگیرد.

نهادهای ناظر بانکی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه، به خصوص آنهایی که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را پیاده‌سازی کرده‌اند، باید در ظرفیت مدل‌سازی ریسک اعتباری، هم از حیث منابع انسانی و هم از حیث ابزار فناوری اطلاعات (IT)، نیز سرمایه‌گذاری کنند. در این زمینه، راهکارهای فناوری نظارتی (SupTech)^{۱۴} می‌توانند در رفع چالشهای مرتبط با جمع‌آوری داده‌ها و مدل‌سازی زیان اعتباری موردانتظار، مفید واقع شوند. هدف نهایی، اطمینان از این مسئله است که روشهای تعیین ذخایر حسابداری، موجب اندازه‌گیری مناسب و جامع زیان اعتباری موردانتظار شوند. ناظران در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه که محدودیتهای بودجه‌ای جدی‌تری دارند، می‌توانند ظرفیت لازم برای مدل زیان اعتباری موردانتظار را اغلب از طریق بسترهای آموزش برخط و کمک فنی فراهم آورند؛ ولی منابع واجد شرایط همچنان نقش حیاتی دارند.

مقدمه

۱۰۱ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ چیست؟

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ با عنوان *ابزار مالی*، استاندارد بین‌المللی جدید گزارشگری مالی است. این استاندارد در ژوئیه سال ۲۰۱۴ از سوی هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری منتشر و در ژانویه سال ۲۰۱۸ اجرایی شد. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹: *ابزار مالی* جایگزین استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹: *ابزار مالی*؛ شناسایی و اندازه‌گیری شد، که استاندارد بسیار پیچیده تلقی می‌شد و با شیوه‌ای که واحدهای تجاری، کسب‌وکارها و ریسکهای خود را مدیریت می‌کردند، ناسازگار بود، و عامل تاخیر در شناسایی زیان اعتباری و امها بود که این شناسایی در چرخه اعتباری دیر هنگام تلقی می‌شد.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ سه تغییر عمده را ایجاد کرد (الف) طبقه‌بندی و اندازه‌گیری ابزار مالی، (ب) زیان اعتباری موردانتظار، و (پ) حسابداری مصون‌سازی. طبقه‌بندی و اندازه‌گیری ابزار مالی مبتنی بر مدل کسب‌وکار واحدهای تجاری و ویژگیهای جریان نقدی قراردادی است. واحدهای تجاری ملزم هستند ارزیابی کنند که آیا هدف

از نگهداری یک ابزار مالی فقط جمع‌آوری جریان نقدی قراردادی (نگهداری برای جمع‌آوری) یا هم جمع‌آوری جریان نقدی قراردادی و هم فروش داراییهای مالی (نگهداری برای جمع‌آوری و فروش) است، به علاوه، واحدهای تجاری باید ارزیابی کنند که آیا شرایط قراردادی دارایی مالی در موعد مقرر به جریانهای نقدی منجر می‌شود که فقط شامل پرداخت اصل و سود (SPPI)^{۱۵} است یا خیر. ابزار مالی موفق در هر دو آزمون مدل کسب‌وکار و آزمون صرفاً شامل پرداخت اصل و سود را می‌توان به بهای تمام‌شده مستهلک‌شده یا به ارزش منصفانه از طریق سایر اقلام سودوزیان جامع (FVTOCI)^{۱۶} طبقه‌بندی کرد که هر دو در معرض کاهش ارزش هستند. هر دارایی مالی که موفق به گذراندن آزمون فقط شامل پرداخت اصل و سود یا مدل کسب‌وکار نمی‌شود، همیشه به ارزش منصفانه از طریق سود و زیان دوره اندازه‌گیری می‌شود. در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ در مقایسه با استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹، تعداد مجموعه‌ها به سه مورد کاهش می‌یابد، و طبقه‌بندی مجدد فقط زمانی میسر می‌شود که تغییری در مدل کسب‌وکار به وجود بیاید (که به ندرت اتفاق می‌افتد)؛ به علاوه، شیوه‌های طبقه‌بندی مجدد، که پس از بحران مالی جهانی ۲۰۰۹-۲۰۰۷، اتفاق افتادند، محدود می‌شوند.

تغییر ۱: استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ برای شناسایی و اندازه‌گیری کاهش ارزش و امها و دریافتنیهایی که به بهای تمام‌شده مستهلک‌شده یا به ارزش منصفانه از طریق سایر اقلام سودوزیان جامع، زیان اعتباری موردانتظار، اندازه‌گیری می‌شوند، چارچوب جدیدی را معرفی کرد. استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ از رویکرد **زیان تحمل‌شده**^{۱۷} استفاده کرد، که در آن، زیان فقط زمانی شناسایی می‌شود که رویداد محرکی اتفاق بیفتد. این امر به شناسایی بسیار کم و دیر هنگام زیانهای وام منجر شد. مطابق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بانکها ملزم به شناسایی زودتر زیانها در چرخه اعتباری، حتی در مرحله اعطای وام، و به‌روزرسانی آنها در هر تاریخ گزارشگری برای نشان دادن تغییرات در ریسک اعتباری هستند. دیگر شناسایی کاهش ارزش مبتنی بر رویداد گذشته مولد زیان نیست، بلکه به زیان اعتباری بالقوه نسبت داده

می‌شود. نیازی به شواهد عینی کاهش ارزش نیست؛ زیرا تجربه نشان می‌دهد که عوامل تعیین‌کننده زیانهای اعتباری خیلی پیش از آن‌که وامها وارد **نکول تجمعی**^{۱۸} شوند، شروع به نشان دادن زیانها می‌کنند. بنابراین، تغییر از **رویکرد زیان اعتباری** **تحمل‌شده به رویکرد زیان اعتباری** **موردانتظار** بر زمان‌بندی ذخیره‌گیری اثر می‌گذارد.

تغییر ۲: زیان اعتباری موردانتظار به سه مرحله تخصیص می‌یابد، که پیامدهایی برای ذخیره‌گیری حسابداری دارد، به‌خصوص زمانی که افول بااهمیتی در کیفیت دارایی وجود دارد. اگر ریسک اعتباری از زمان شناسایی اولیه به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای افزایش نیافته باشد، زیان اعتباری موردانتظار از رویدادهای نکولی محاسبه می‌شود که در عرض ۱۲ ماه پس از دوره گزارشگری (مرحله ۱)، امکان‌پذیر هستند. اگر از زمان شناسایی اولیه (مرحله ۲) افزایش قابل‌ملاحظه‌ای در **ریسک اعتباری**^{۱۹} وجود داشته باشد، ذخیره زیان وام باید نشان‌دهنده زیان اعتباری موردانتظار در طول عمر، شامل اطلاعات آینده‌نگرانه (ازجمله متغیرهای اقتصاد کلان نظیر تولید ناخالص داخلی [GDP]^{۲۰} و نرخ بیکاری) باشد. مرحله ۳ وامهای با کیفیت اعتباری کاهش یافته هستند.

تغییر ۳: استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ این امکان را می‌دهد تا آسیب‌پذیری در مقابل ریسکهای بیشتری مصون‌سازی و معیار جدیدی برای حسابداری مصون‌سازی وضع شود که تا حدودی از پیچیدگی کمتری برخوردار است و با شیوه‌ای که واحدهای تجاری ریسکهای خود را زیر استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ مدیریت می‌کنند، هم‌سوتر است. شرکت‌هایی که در گذشته با استفاده از حسابداری مصون‌سازی به‌خاطر پیچیدگی آن رد شده‌اند و آن‌هایی که مایل به ساده‌سازی، پالایش، یا بسط حسابداری مصون‌سازی موجود خود هستند، ممکن است الزامهای جدید مصون‌سازی را انعطاف‌پذیرتر از الزامهای استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ بدانند.

۱۰.۲ دامنه مقاله و روش‌شناسی آن

مقاله حاضر به چارچوب زیان اعتباری موردانتظار می‌پردازد، و تمرکز خاص آن بر بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه است. در سال ۲۰۲۰، همزمان با کاهش اشتباهات ریسک

جهانی با توجه به حرکت‌های معکوس بی‌سابقه در جریانهای سرمایه، بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه که در طول همه‌گیری کووید-۱۹ با استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ سروکار داشتند، با چالش‌هایی مواجه بودند. بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه با سیستمهای مراقبت بهداشتی ضعیف‌تر و فضای مالی محدودتر برای تامین پشتیبانی روبه‌رو هستند.

مقاله حاضر مبتنی بر چند داده ورودی، شامل پژوهشهای دانشگاهی و بررسیهای پیشینه پژوهشی؛ نظرسنجی درباره پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ ارسال شده برای نهادهای نظارتی (بانکهای مرکزی، نهادهای نظارتی مالی، کمیسیونهای مقررات‌گذاری) در ۱۸۴ کشور و ناحیه؛ جلسه‌های دوجانبه با ۶ نهاد ناظر بانکی از جمله: بانک مرکزی جمهوری مقدونیه شمالی، بانک مرکزی ایتالیا، بانک مرکزی برزیل، بانک مرکزی تایلند، بانک مرکزی آفریقای جنوبی و بانک مرکزی رواندا است. در حالی که این نظرسنجی تصویری لحظه‌ای از چالش‌هایی را که ناظران و بانکها هنگام پیاده‌سازی یا آماده‌سازی برای اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ با آن مواجه بودند را ارائه می‌کند، جلسه‌های دوجانبه با نهادهای ناظر بانکی امکان درک عمیق‌تر چالش‌های پیاده‌سازی اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را فراهم نمود.

بر اساس تجارب کشورهای نظرسنجی شده‌ای که در حال گذار حسابداری به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بودند، چالش‌هایی که با آن مواجه بوده، و راه‌حلهایی که آن‌ها در طول گذار استفاده کردند، ما برای نهادهای ناظر بانکی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را اجرا کردند یا قصد پیاده‌سازی آن را دارند، توصیه‌های گسترده‌ای در حوزه سیاست‌گذاری تهیه کردیم. علاوه‌بر این، توجه خاصی به تعامل میان کووید-۱۹ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ داشته‌ایم. چندین دینفع (ناظران، تحلیل‌گران، بانکهای سرمایه‌گذاری) با توجه به رکود اقتصادی فعلی، افزایش **احتمال نکول**^{۲۱} و در نتیجه، ذخایر بالاتر زیان وام بر عواقب ناخواسته استفاده از استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، تاکید کردند. این

به افول ریسک اعتباری را افزایش می‌دهد. ثبات مالی از تسریع شناسایی زیان بهره‌مند می‌شود؛ اگر بتوان رکود را به‌قدر کافی زود هنگام شناسایی کرد، ممکن است ذخیره‌گیری دوره‌ای بانکها کاهش یابد و ممکن است انقباض اعتباری در رکود چندان شدید نباشد.

با وجود این، شناسایی زود هنگام زیانهای کاهش ارزش موجب «شناسایی زودرس^{۲۲}» قابل ملاحظه زیانهای اعتباری می‌شود، که انتظار می‌رود مانع توانایی بانکها برای حفظ درآمدها شود. از آنجا که درآمدها مولفه کلیدی نسبت سرمایه عادی لایه ۱ (CET1)^{۲۳} هستند، انتظار می‌رود سرمایه نظارتی بانکها در کوتاه مدت کاهش یابد. با وجود این، لازم به ذکر است که به‌طور معمول پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ همزمان با ترتیبات گزار، که با هموارسازی تاثیر بر نسبت سرمایه در افق زمانی تا ۵ سال است، امکان جذب تدریجی تاثیر اعمال استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ برای اولین بار را فراهم می‌کند.

شایان ذکر است که ممکن است بانکها قادر به پیش‌بینی رکود (محدودیتها در پیش‌بینی فرضها، ریسک مدل، فقدان مشوقها، انتظارهای سهامداران) نباشند یا تمایلی به این کار نداشته باشند. همه‌گیری کووید-۱۹ نشان داد که چگونه بحران می‌تواند ناگهانی اتفاق بیفتد. از این رو، ممکن است رویکرد زیان اعتباری مورد انتظار محرک افزایش ناگهانی ذخایر کاهش ارزش، همچنین موجب واکنش به اطلاعات جدید و آینده‌نگرانه باشد. در نتیجه، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ می‌تواند آثار پیش چرخه‌ای خاصی داشته باشد که ناشی از حساسیت چرخه‌ای متغیرهای ریسک اعتباری است که در برآورد زیانهای اعتباری مورد انتظار از آنها استفاده می‌شود و ناشی از تغییر آسیب‌پذیری بین مراحل است.

نتایج نظرسنجی

۲۰۱ پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹

در کشورهای مختلف

در آغاز مارس ۲۰۲۰، بانک جهانی درمورد پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، یک نظرسنجی به‌عمل آورد. از این نظرسنجی دو هدف مدنظر بود. اول،

اثر چرخه‌ای بالقوه ذخیره‌گیری حسابداری، سرمایه موجود را جذب می‌کند و متعاقب آن، عرضه اعتبار را که به‌شدت برای پشتیبانی از بخش واقعی لازم است، کاهش می‌دهد. در مقاله حاضر، دو سوال مهم را نشان می‌دهیم: (الف) چگونه همه‌گیری بر افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری اثر می‌گذارد، و (ب) بانکها در چنین محیط نامطمئنی چگونه می‌توانند زیان اعتباری مورد انتظار را برآورد کنند (به کادر ۲ مراجعه کنید).

مقاله حاضر به‌صورت زیر سازمان‌دهی شده است: در بخش ۲، نتایج نظرسنجی ارائه می‌شود. در بخش ۳ برای نهادهای نظارتی در کشورهایی که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را اجرا کرده‌اند و همچنین در کشورهایی که هنوز در فرایند اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ قرار دارند، توصیه‌هایی در حوزه سیاست‌گذاری ارائه می‌کند. در بخش ۴ نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

کادر ۱- استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ چگونه با ثبات مالی ارتباط متقابل دارد؟

تاثیر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بر ثبات مالی را می‌توان از زوایای مختلفی بررسی کرد. مهم‌ترین تغییر ارائه‌شده از سوی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ تغییر از رویکرد زیان اعتباری «تحمّل‌شده» به زیان اعتباری «مورد انتظار» برای اندازه‌گیری ذخایر کاهش ارزش است. رویکرد جدید مبتنی بر شناسایی زیان اعتباری مورد انتظار در طول سه مرحله است، که نشان‌دهنده افزایش ریسک اعتباری از مرحله اعطای وام تا نکول است. بانکها باید برآوردهای بدون جانب‌داری، و به‌موقع زیانهای اعتباری مورد انتظار را بر پایه طیف وسیعی از اطلاعات مربوط به اعتبار، از جمله متغیرهای اقتصاد کلان آینده‌نگرانه انجام دهند. در مقابل، شناسایی زیانهای اعتباری در چارچوب قبلی حسابداری، اغلب مبتنی بر رویدادهای «تحقق‌یافته» (زیانهای تحمّل‌شده) بود. می‌توان استدلال کرد که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ موجب افزایش ثبات مالی می‌شود؛ زیرا شناسایی کامل‌تر و به‌هنگام‌تر زیانهای اعتباری را دنبال می‌کند، و اندازه ذخایر جذب زیان بانکها و پاسخ‌گویی آنها به اطلاعات اشاره‌کننده

هدف از نظرسنجی، شناسایی چالش‌های پیش‌روی ناظران در کشورهای اجرا کننده استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بود. دوم، هدف از نظرسنجی، مشخص کردن دلایل تاخیر کشورها و اقتصادها در گذار به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بود. این نظرسنجی به نهادهای نظارتی (بانکهای مرکزی، مقامهای نظارتی مالی، کمیسیونهای مقررات‌گذاری) در ۱۸۴ کشور ارسال شد. نهادهای نظارتی نیز به نمایندگی از طرف بانکهای تحت نظارت گزارش دادند و چالشهای پیش‌روی نهادهای اعتباری در پیاده‌سازی و استفاده از استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را بیان نمودند.

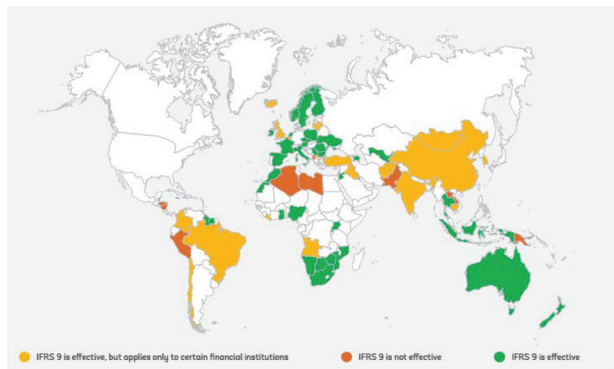
به‌رغم بروز کووید-۱۹، نرخ مشارکت ۴۹ درصد بود. ما ۹۱ پاسخ دریافت کردیم: ۳۶ پاسخ از کشورها و اقتصادهایی با درآمد بالا، ۲۸ پاسخ از کشورها و اقتصادهایی با درآمد متوسط به بالا، ۲۰ پاسخ از کشورها و اقتصادهایی با درآمد متوسط به پایین، و ۷ پاسخ از کشورها و اقتصادهایی با درآمد پایین. توزیع جغرافیایی پاسخ‌دهندگان به شرح زیر است: ۱۶ قلمروی حاکمیتی از منطقه آفریقا، ۱۴ قلمروی حاکمیتی از آسیای شرقی و منطقه اقیانوسیه، ۳۳ قلمروی حاکمیتی از منطقه آسیای مرکزی و اروپا، ۱۷ قلمروی حاکمیتی از آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، ۷ قلمروی حاکمیتی از خاورمیانه و آفریقای شمالی، و ۴ قلمروی حاکمیتی از منطقه آسیای جنوبی (جدول ۱). لازم به تاکید است که در مجموع ۵۷ پاسخ‌دهنده از ۹۱ پاسخ‌دهنده نشان دادند که از قدرت تنظیم‌گری و صدور قواعد حسابداری برخوردارند.

در هنگام تفسیر نتایج تجمیعی نظرسنجی، باید ضعفهای طرح آمارگیری را نیز مدنظر قرار داد. اول، میزان پاسخها ممکن است از بروز کووید-۱۹ تاثیر گرفته باشد، چون پاسخها طی مارس تا آوریل ۲۰۲۰ گردآوری شدند. کشورهایی که به‌طور خاص از همه‌گیری آسیب دیده بودند، اولویتهای دیگری داشتند و بنابراین، برخی از آنها به نظرسنجی پاسخ ندادند. علاوه بر این، پاسخهای داده‌شده به سوالهای نظرسنجی ممکن است از همه‌گیری متاثر شده باشد. به‌عنوان مثال، برخی از پاسخ‌دهندگان نشان دادند که نگرانیهای آنها درباره چرخهای بودن استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ به نگرانی عمده‌ای برای ناظران بانکی در شروع بحران تبدیل شده است. دوم، پاسخهای نظرسنجی ممکن است دچار سوگیری خودانتخابی شده باشند؛ یعنی، کشورهایی که به نظرسنجی پاسخ دادند، ممکن است کشورهایی باشند که به‌طور خاص در پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ موفق بوده‌اند یا کشورهایی که مایل هستند مسایل پیش‌آمده حین پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را مطرح سازند. ما معتقدیم که نتایج تجمیعی ما از نمایندگی کافی برخوردارند، زیرا ما جوابها را از طیف گسترده‌ای از کشورها گرفتیم؛ یعنی، (الف) کشورهایی از مناطق جغرافیایی و گروه‌های درآمدی مختلف؛ (ب) کشورهایی که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را پیاده‌سازی نمودند و کشورهایی که پیاده‌سازی استاندارد مذکور را به تعویق انداختند؛ (پ) کشورهایی که در هنگام پیاده‌سازی

جدول ۱- توزیع پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی براساس گروه درآمدی و منطقه

درآمد بالا	درآمد متوسط به بالا	درآمد متوسط به پایین	درآمد پایین	
۱	۳	۶	۶	آفریقا
۵	۴	۵	۰	آسیای شرقی و منطقه اقیانوسیه
۲۱	۸	۴	۰	اروپا و آسیای مرکزی
۷	۹	۱	۰	آمریکای لاتین و منطقه کارائیب
۲	۴	۱	۰	خاورمیانه و آفریقای شمالی
۰	۰	۳	۱	آسیای جنوبی

شکل ۱- پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری



توجه: کشورهای با رنگ سفید به این نظرسنجی پاسخ نداده‌اند. این نقشه براساس پاسخها به نظرسنجی (یعنی خوداظهاری) است.

۲۰۲ چالشهای عمده در پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹

اکثر کشورها در نمونه ما استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را در سال ۲۰۱۸ اجرا کردند. در حالی که استاندارد مذکور در سال ۲۰۱۸ توسط ۶۵ قلمروی حاکمیتی پیاده‌سازی شد، اما سایر کشورها اجرای این استاندارد را از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴ به تعویق انداختند. اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ در برخی از کشورها داوطلبانه است و در سالهای آتی، اجباری خواهد شد.

چالشهای اصلی مقامهای نظارتی در پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ در شکل ۲ نشان داده شده است. شرکت‌کنندگان در نظرسنجی به مشکلات زیر اشاره داشتند: (الف) ریسک مدل‌سازی؛ (ب) در دسترس بودن داده‌ها و کیفیت پایین داده‌ها؛ و (پ) ظرفیت محدود کارکنان. در چندین مورد، کیفیت پایین داده‌ها در ترکیب با ظرفیت محدود کارکنان، باعث شد که ناظر نتواند مدل اعتبارسنجی بانکها و کفایت داده‌های ورودی را به میزان کافی بررسی نماید. این موضوع اغلب چالشهایی را در ارزیابی کفایت ذخیره‌گیری زیان وام و تضمین یکنواختی کاربرد استاندارد حسابداری مبتنی بر اصول در بین موسسه‌ها به وجود می‌آورد.

ناظران گزارش دادند که بانکها در پیاده‌سازی استاندارد

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ با مشکلاتی در مقیاسهای مختلف مواجه بودند؛ و (ت) کشورهایی که پس از پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ پیامدهای مختلفی داشتند. با وجود این، ما اذعان داریم که قابلیت کاربرد یافته‌ها ممکن است برای کشورهایی با درآمد پایین محدود باشد، چون تعداد پاسخ‌دهندگان در این گروه به‌ویژه از جنوب صحرای آفریقا و آمریکای لاتین، به‌نسبت پایین بود.

بیشتر بانکهای واقع در کشورهای زیر پوشش نظرسنجی، ملزم هستند که **استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS)** یا استانداردهای حسابداری ملی را که انطباق نزدیکی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند، به‌کار گیرند. استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ۵۶ کشور در حال اجرا است، در حالی که استانداردهای حسابداری ملی از سوی بانکها در ۲۱ کشور استفاده می‌شوند. علاوه بر این، ۱۴ کشور بسته به نوع موسسه مالی، اندازه آن، وضعیت پذیرش در بازار سهام، و مبنای گزارشگری (یعنی تلفیقی یا جداگانه) ترکیبی از استانداردهای حسابداری را به‌کار می‌گیرند. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ در ۵۳ کشور در نمونه ما در حال اجرا است. در ۲۵ کشور دیگر، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ تنها برای موسسه‌های مالی معین اعمال می‌شوند. در کشورهای گوناگون، قابلیت کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بستگی به اندازه موسسه مالی، وضعیت پذیرش در بازار سهام، و مبنای گزارشگری تلفیقی یا جداگانه دارد. در برخی از کشورها، بانکها ممکن است استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را بر مبنای داوطلبانه برحسب آمادگی‌شان اعمال کنند. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ در ۱۳ کشور اجرایی نیست (شکل ۱).

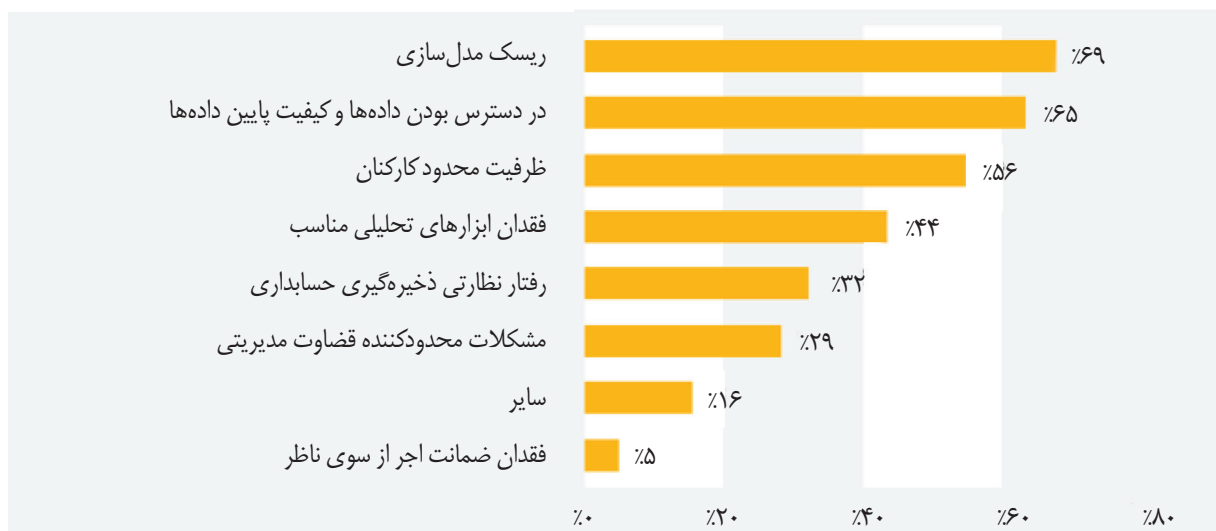
طبق نظرسنجی ما، ۶۲ درصد از ناظران پاسخ‌دهنده از قدرت تنظیم و صدور قواعد حسابداری برخوردارند. با وجود این، زمانی که تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری از نهادهای ناظر بانکی منفک شوند، با توجه به علاقه نهادهای ناظر بانکی به تضمین انعکاس قضاوت صحیح کیفیت دارایی و شیوه‌های ذخیره‌گیری احتیاطی در صورت‌های مالی بانکها، تعامل میان آنها افزایش می‌یابد.

بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ با چالش‌هایی مواجه هستند. همان‌طور که در شکل ۳ نشان داده شده است، چالش‌های اصلی که در نظرسنجی مشخص شدند، عبارتند از (الف) در دسترس بودن داده‌ها و کیفیت پایین داده‌ها که تنظیم و اعمال مدل‌های زیان اعتباری موردانتظار را مشکل می‌سازد؛ (ب) ریسک مدل‌سازی و اتکای بیش از اندازه به قضاوت مدیریتی؛ و (پ) بار ناشی از مشارکت حوزه‌های کسب‌وکاری متعدد، نظیر بودجه‌ریزی، فناوری اطلاعات، ریسک، امور مالی، راهبری، و فرایندها. ناظران نشان دادند که بانکها، و به‌ویژه بانکهای کوچک، در استفاده از اطلاعات آینده‌نگرانه برای مدل‌سازی احتمال نکول، افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری، و سایر متغیرهای استفاده‌شده برای محاسبه زیانهای اعتباری موردانتظار با چالش‌هایی مواجه هستند. علاوه بر این، در کشورهایی که سرمایه خارجی بالایی در بخش بانکداری دارند، برخی از بانکهای تحت مالکیت خارجی، مدل‌های زیان اعتباری موردانتظار را از بانکهای مادر خود دریافت کردند. با آن‌که برخی از پاسخ‌دهندگان گزارش دادند که چنین مدل‌هایی کیفیت بالایی دارند، اما برخی دیگر اظهار داشتند که مدلها اغلب خاص کشور نیستند و محیط کشور میزبان را به‌خوبی

منعکس نمی‌کنند.

براساس پاسخهای ناظران، چالشهای پیشروی بانکها در پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ در بین کشورهایی با سطوح درآمدی مختلف متغیر است. سه چالش بزرگ - در دسترس بودن داده‌ها و کیفیت پایین داده‌ها، ریسک مدل‌سازی و اتکای بیش از اندازه به قضاوت مدیریت، و بار ناشی از مشارکت حوزه‌های کسب‌وکاری متعدد - برای تمام گروه‌های درآمدی یکسان است. در همان حال، شرکت‌کنندگان در نظرسنجی، از کشورهای با درآمد متوسط به پایین و با درآمد پایین، ظرفیت محدود کارکنان و فقدان ابزار تحلیلی مناسب را چالش‌های مهم در برابر پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ برشمردند. علاوه بر این، اتکای بیش از اندازه به تامین‌کنندگان برون‌سازمانی به‌عنوان یکی از مسایل قابل ملاحظه در کشورهای با درآمد پایین عنوان شد. اکثر مقامهای نظارتی (۷۲ درصد از پاسخ‌دهندگان) رهنمودهایی را برای تعیین انتظاراتها به بانکها در طول پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، ارائه نمودند. فعالیتهای عمده مقامهای نظارتی به صورت زیر بود: (الف) اجرای ارزیابی تأثیر کمی استاندارد بین‌المللی

شکل ۲- چالشهای ناظران در پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹



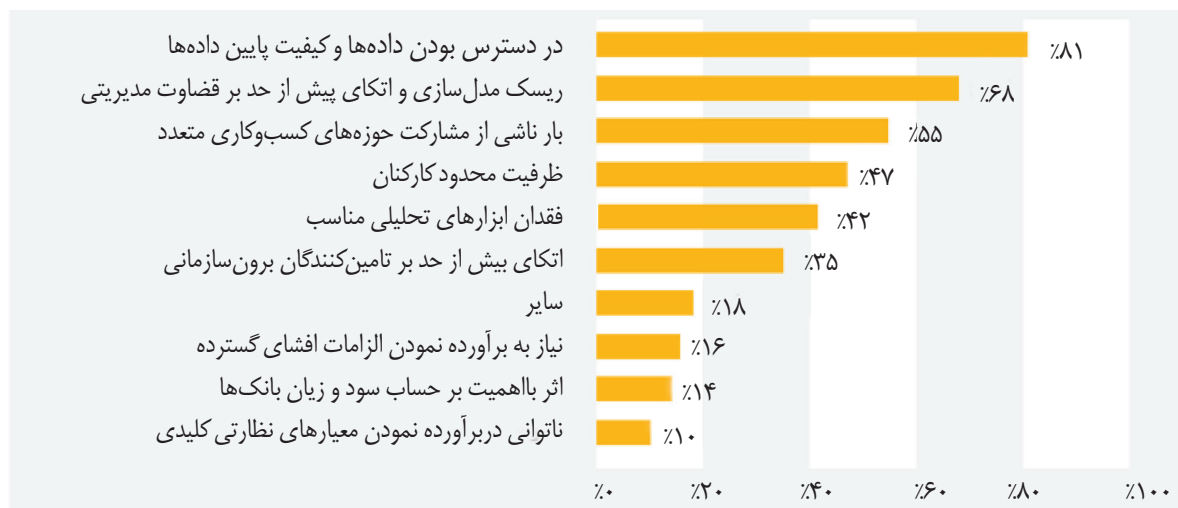
توجه: درصدها نشان‌دهنده سهم پاسخ‌دهندگانی است که آن گزینه را انتخاب کرده‌اند؛ پاسخ‌دهندگان می‌توانند تمام گزینه‌های اعمال شده را انتخاب کنند.

داده‌های سالانه تاریخی (به‌عنوان مثال، درمورد نرخهای نکول بانکها)؛ و پشتیبانی مستمر از طریق مشاوره‌ها و پرسش و پاسخها اشاره نمود.

در مجموع، ۳۴ نفر از ۷۷ پاسخ‌دهنده‌ای که پاسخ دادند که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ برای برخی از موسسه‌های مالی موثر است، نشان داد که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ هیچ اثر بااهمیتی بر حسابهای سودوزیان بانکها یا بر شاخصهای کلیدی عملکرد ندارند. (۲۲ درصد) پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که اثر بر بانکها مثبت است و ۳۴ درصد پاسخ‌دهندگان اثر منفی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را بر بانکها عنوان کردند (شکل ۴). پاسخ‌دهندگان، به‌استثنای چند مورد، ذخیره‌گیری زیان وام بالاتری برای وامهای جاری در زمان پذیرش استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را مشاهده کردند، که بانکها را در شروع بحران جاری تاب‌آورتر کرد. علاوه بر این، اثر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بر کیفیت دارایی، سودآوری، و نسبتهای سرمایه در بین قلمروهای حاکمیتی متفاوت است. برخی از پاسخ‌دهندگان بیان کردند که به‌تقریب هیچ اثر بااهمیت نهایی بر شاخصهای فوق‌الذکر ندیدند. در برخی

گزارشگری مالی ۹ بر ترازنامه‌های بانکها و معیارهای نظارتی پیش از پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹؛ (ب) ارزیابی آمادگی بانکها برای پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ از طریق جلسه‌های دوجانبه، پرسشنامه‌ها، و دیدارهای حضوری، همچنین اجرای موازی استانداردها همراه با استانداردهای حسابداری قبلی؛ و (پ) صدور رهنمودها و دستورعملهای رسمی در مورد پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ جهت اطمینان از اجرای یکنواخت و موثر استاندارد. در بین تکالیف دیگر، مقامهای نظارتی رهنمودهایی را جهت روشن کردن انتظارات نظارتی با توجه به موارد افشا برای گزارشگری مالی؛ ذخیره‌گیری برای اهداف تنظیمی؛ مدیریت ریسک اعتباری؛ اندازه‌گیری و طبقه‌بندی داراییهای مالی؛ و تعریف و مدل‌سازی افزایش قابل‌ملاحظه در ریسک اعتباری و احتمال نکول را صادر کردند. ازجمله فعالیتهای دیگر برای شفاف‌سازی انتظارات نظارتی می‌توان به برگزاری کارگاه‌ها و جلسه‌های آموزشی جهت ظرفیت‌سازی در همکاری با شرکتهای مشاوره‌ای و سازمانهای بین‌المللی؛ آماده‌سازی سناریوهای کلان اقتصادی برای مدل‌سازی زیان اعتباری موردانتظار و همچنین انتشار

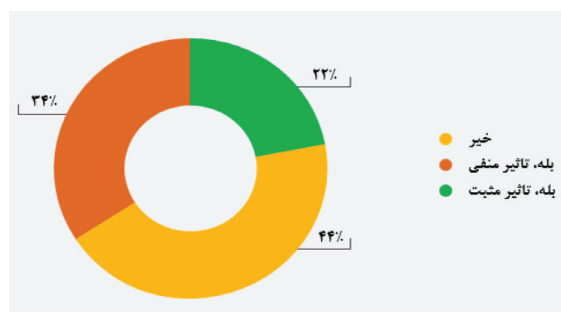
شکل ۳- چالشهای بانکها در پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹



توجه: درصدها نشان‌دهنده سهم پاسخ‌دهندگانی است که آن گزینه را انتخاب کرده‌اند؛ پاسخ‌دهندگان می‌توانند تمام گزینه‌های اعمال شده را انتخاب کنند.

موارد، بانکها به دلیل ذخیره‌گیری زیان وام بالاتر، کاهش قابل ملاحظه‌ای در نسبتهای سودآوری و کفایت سرمایه خود مشاهده نمودند؛ هر چند که اثر منفی اغلب موقتی بود. در موارد دیگر، بانکها کیفیت داراییهای خود را با کاستن از سطوح کاهش ارزش و بهینه‌سازی ترازنامه‌های خود بهبود بخشیدند. علاوه بر این، همسویی عملیاتی و راهبردی بیشتر میان کارکردهای حسابداری و مدیریت ریسک، به عنوان مزیت بالقوه برای بانکها تلقی شد.

شکل ۴- تاثیر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بر بانکها



توجه: شکل ۴ داده‌های پرسش ۱۰ نظرسنجی را نشان می‌دهد: آیا هیچ اثر بالاهمیتی در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بر حساب سودو زیان و همچنین بر شاخصهای کلیدی عملکرد (کیفیت داراییها، ذخیره‌گیری زیانهای وام، نسبتهای سرمایه و غیره)، مشاهده می‌کنید؟ اکثر مقامهای نظارتی، اقدامهایی را برای تعدیل تاثیر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بر بانکها اتخاذ کردند. شصت درصد از پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که برخی از ابزارهای تعدیل وجود دارند. اول، اکثر ناظران سازوکارهای گذار را پیاده‌سازی کردند. سازوکارهای گذار، با جذب تدریجی تاثیر کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ برای اولین بار بر نسبت سرمایه در افق زمانی بالغ بر پنج سال (برخی کشورها دوره کوتاه‌تر را انتخاب کردند، به بخش ۳ مراجعه کنید)، این تاثیر را هموار می‌کنند. اتخاذ سازوکارهای گذار از طرف بانکها داوطلبانه است، و تعداد بانکهایی که این ترتیبات را به کار می‌گیرند، در بین کشورها بسیار متفاوت

است. دوم، برخی ناظران با اعمال پشتوانه‌های احتیاطی، نه تنها برای داراییهای مالی با کیفیت اعتباری کاهش یافته (در اصطلاح «مرحله ۳»؛ به عنوان مثال، اتحادیه اروپا در رابطه با آسیب‌پذیریهای معوقه) بلکه برای محدوده‌های خطر اعتباری که افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری را نشان می‌دادند (SICR)، در اصطلاح «مرحله ۲») یا حتی برای وامها در زمان اعطای آنها (مرحله ۱؛ برای نمونه، تایلند و سنگاپور) حداقل ذخیره‌گیری را الزامی دانستند، که توانستند تاثیر سرمایه‌ای افزایش چرخه‌ای در ذخیره زیان حسابداری طی رکود اقتصادی را تعدیل کنند. سوم، در برخی کشورها، بانکها همچنین ملزم بودند که دو استاندارد حسابداری را به طور موازی اجرا کنند تا تاثیر احتمالی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ قبل از گذار نهایی به استاندارد ارزیابی شود.

۲.۳ دلایل کشورها برای تعویق پیاده‌سازی استاندارد

بین‌المللی گزارشگری مالی ۹

در نمونه ما، ۱۳ کشور استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را پیاده‌سازی نکردند. به جز در سه کشور، مقامهای نظارتی قصد دارند در یک تا سه سال آینده استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را در قلمرو حاکمیتی خود پیاده‌سازی کنند. در برخی موارد، مقامهای مسئول اعلام کردند که برنامه‌های آنها ممکن است به دلیل نیاز به اولویت‌بندی فعالیتهای نظارتی حیاتی و تاثیر نامشخص استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بر بانکها، زیر تاثیر همه‌گیری کووید-۱۹ قرار گیرد.

مقامهای ناظر دلایل مختص به کشور خود را برای تعویق پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ داشتند. موانع اصلی اجرای این استاندارد شامل (الف) فقدان مدلها و ابزار تحلیلی مناسب؛ (ب) شکاف داده‌ها است (شکل ۵). جالب توجه است که ۶۹ درصد از پاسخ‌دهندگان دلایل دیگری را که در پرسشنامه نظرسنجی ذکر نشده بود، شناسایی کردند. یکی از موانع، نبود مبنای قانونی برای گذار به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، از جمله تبدیل این استاندارد به بانکداری اسلامی است. برخی از کشورها پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را به تعویق انداختند تا تعدیلهای لازم را در مقررات انجام دهند؛ فرایندی زمان‌بر که در برخی موارد، به تخصص فنی نیاز دارد و یافتن آن ممکن

می شود، که این مسئله نگرانیهایی را در مورد ممنوعیت کلی معاملات نرخ بهره حاکم بر امور مالی اسلامی ایجاد می کند. علاوه بر این، استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ مفهوم «رجحان محتوا بر شکل» که برای طبقه بندی و اندازه گیری داراییهای مالی حیاتی است را در بر می گیرد. در مقابل، قواعد حقوقی اسلامی در نهایت نحوه عمل حسابداری را تعیین می کند. هیئت استانداردهای بین المللی حسابداری یک گروه مشاوره مالی اسلامی، را با هدف حمایت از پیاده سازی استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی در قلمروهای حاکمیتی مربوط گرد هم آورد.

کادر ۲ - استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ و کووید-۱۹

کووید-۱۹ اولین آزمون واقعی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ از زمان آغاز به اجرای آن در سال ۲۰۱۸ است. در نتیجه بحران کووید-۱۹ (مارس تا آوریل ۲۰۲۰)، مقررات گذاران، ناظران، و نهادهای استانداردگذار با دو سوال اصلی مواجه شدند.

همه گیری چگونه بر افزایش قابل ملاحظه در ریسک

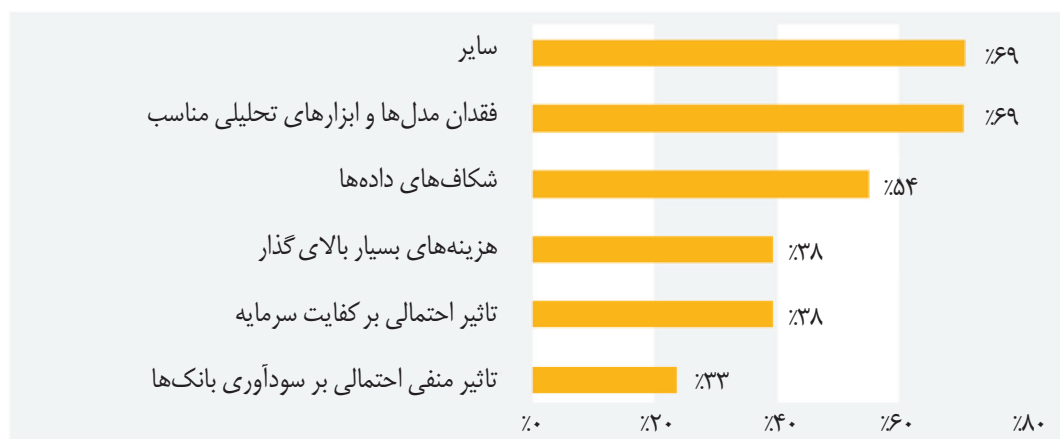
اعتباری (SICR) اثر می گذارد؟

کمیته نظارت بر بانکداری بازل (۲۰۲۰)۳۴، موافقت کرد که

است دشوار باشد. علاوه بر این، به عنوان چالشی دیگر، برخی از شرکت کنندگان در نظرسنجی مهارتهای محدود در تدوین و اعتبارسنجی مدل زیان اعتباری مورد انتظار را بیان کردند. ناظران بانک، نگران این موضوع هستند که ممکن است مهارتها و تخصص لازم را برای به چالش کشیدن مدلهای زیان اعتباری مورد انتظار نداشته باشند؛ بنابراین، نتوانند بر اساس استانداردهای جدید حسابداری به درستی بر موسسه های مالی نظارت کنند. این مسئله، به نوبه خود، ممکن است به ایمنی و صحت سیستمهای بانکی آسیب برساند. علاوه بر این، برخی از شرکت کنندگان در نظرسنجی در مورد تاثیر استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ بر موسسه های مالی، از جمله دوره های بودن ذخیره گیری (مربوط به کووید-۱۹) نگران بودند. آن ها اشاره کردند که قبل از گذار به این استاندارد، مطالعات بیشتری برای کشور مورد نیاز است. به علاوه، ناظران در برخی از اقتصادهای در حال توسعه، بسته به اندازه و پیچیدگی موسسه های مالی، رویکرد متناسب تری را برای پیاده سازی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ در نظر می گیرند.

استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی با در نظر گرفتن امور مالی متعارف طراحی شده اند. تنزیل جریانهای نقدی و ارزش زمانی پول به طور معمول با توجه به نرخ بهره محاسبه

شکل ۵- دلایل تعویق پیاده سازی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹



توجه: درصدها نشان دهنده سهم پاسخ دهندگانی است که آن گزینه را انتخاب کرده اند؛ پاسخ دهندگان می توانند تمام گزینه های اعمال شده را انتخاب کنند.

اقدامهای حمایتی فوق‌العاده‌ای که در بسیاری از قلمروهای حاکمیتی برای کاهش تاثیر مالی و اقتصادی کووید-۱۹ معرفی شده‌اند، باید توسط بانکها در هنگام محاسبه زیانهای اعتباری موردانتظار در نظر گرفته شوند. **اقدامهای امدادی**^{۲۵} مانند ضمانتهای عمومی یا استمهال پرداخت، که توسط مقامهای دولتی یا بانکها به صورت داوطلبانه اعطا می‌شود، نباید به‌طور خودکار منجر به انتقال آسیب‌پذیری از زیان اعتباری موردانتظار ۱۲ ماهه به اندازه‌گیری زیان اعتباری موردانتظار در طول عمر شود. هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری نیز همین دیدگاه را بیان کرده است (هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری ۲۰۲۰).

چندین ناظر و مقررات‌گذار بیانیه‌های عمومی را برای نشان دادن تاثیر همه‌گیری بر فرایند مرحله‌بندی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ منتشر کردند. به‌عنوان مثال، **مرجع مقررات احتیاطی بریتانیا (PRA)**^{۲۶} اعلام کرد که بانکها باید ماهیت موقت شوک را منعکس می‌کردند و اقدامهای حمایتی اقتصادی قابل‌ملاحظه اعلام شده توسط مقامهای مالی و پولی جهانی را به‌طور کامل در نظر می‌گرفتند (هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری ۲۰۲۰). در پیش‌بینی بانکها باید اقدامات امدادی در نظر گرفته شوند تا وام‌گیرندگانی که زیر تاثیر شیوع کووید-۱۹ قرار گرفته‌اند، قادر به از سرگیری پرداختهای منظم خود شوند. تمدید مهلت بازپرداخت وام مسکن، در صورت برابر بودن سایر موارد، نباید خودبه‌خود شرط کافی برای انتقال وام‌گیرندگان شرکت‌کننده به مرحله ۲ زیان اعتباری موردانتظار باشد. **مقام ناظر بر بانکداری اروپا**^{۲۷} (EBA 2020) اشاره کرد که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، بدون این‌که این موضوع را تحمیل کند که چه زمانی افزایش قابل‌ملاحظه در ریسک اعتباری رخ داده است، درجه‌ای از انعطاف‌پذیری را ارائه می‌دهد. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ نیاز به ارزیابی مبتنی بر محرکهای کمی و کیفی دارد، اما حرکت خودبه‌خود سخت‌گیرانه را تحمیل نمی‌کند. بر این اساس، اعمال تعلیق عمومی یا خصوصی با هدف پرداختن به تاثیر نامطلوب اقتصادی نظام‌مند ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹، نباید به‌خودی‌خود علتی غیرارادی در نظر گرفته شود که از آن بتوان نتیجه گرفت که افزایش قابل‌ملاحظه در ریسک

اعتباری رخ داده است. «راهنمای سازوکار استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، سرمایه مورد نیاز و اقدامهای امدادی به‌دلیل همه‌گیری کووید-۱۹ توسط بانکها»، که توسط بانک مرکزی رواندا (ژوئن ۲۰۲۰) به تصویب رسید، حاکی از آن است که «استفاده از تمدید مهلت پرداخت با تاییدیه دولتی توسط وام‌گیرنده به‌خودی‌خود شمارش روزهای سررسید برای ۳۰ روز سررسید عقب‌افتاده مورد استفاده برای تعیین افزایش قابل‌ملاحظه در ریسک اعتباری را آغاز نمی‌کند...».

فرایند مرحله‌بندی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ که مبتنی بر اصول است، با اطمینان امکان انعطاف‌پذیری را فراهم می‌کند، اما ممکن است منجر به پیامدهای ناخواسته‌ای شود. این در حالی است که تمدید مهلت قانونی (استمهال) که طیف وسیعی از وام‌گیرندگان را هدف قرار می‌دهد و به زور قانون (یا حتی به‌صورت داوطلبانه) اعطا می‌شود، نمی‌تواند به‌عنوان افزایش قابل‌ملاحظه در ریسک اعتباری در نظر گرفته شود، اما با وجود این ممکن است نشان‌دهنده وضعیت ضعیف باشد. انعطاف‌پذیری بیش از حد اگر با سایر اقدامهای استثنایی اتخاذشده توسط نهادهای ناظر بانکی (تعویق بازرسیهای در محل، کاهش گزارشگری نظارتی غیر ضروری، لغو آزمونهای استرس) همراه باشد، ممکن است منجر به استفاده نادرست از استانداردهای حسابداری شود، که در بلندمدت می‌تواند بر ثبات مالی اثر بگذارد. بانکها در واقع می‌توانند از اقدامهای خود در خصوص تمدید مهلت بازپرداخت برای حفظ وام‌گیرندگانی که فقط با محدودیت نقدینگی موقت مواجه نیستند در مرحله ۱ استفاده کنند. هنگام قضاوت، چالش اصلی تمایز بین وام‌گیرندگانی است که وضعیت اعتباری آنها به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای زیر تاثیر وضعیت فعلی در بلندمدت قرار نمی‌گیرد و کسانی که بعید است اعتبار خود را بازگردانند. با وجود این، انعطاف‌پذیری بیش از حد ممکن است راه را برای دستکاری صورتهای مالی باز کند. بانکها ممکن است وسوسه شوند که از تسهیل استانداردهای نظارتی برای انتقال داراییهای مالی با بهره‌مندی از اقدامهای تحمیلی (به‌عنوان مثال، تجدید ساختار پس از استمهال) به مرحله بهتری، استفاده کنند.

بانکها چگونه می‌توانند زیان اعتباری موردانتظار را در

چنین محیط نامطمئنی برآورد کنند؟

نهادهای استانداردگذار حسابداری و ناظر بانکی تاکید کردند که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ مستلزم بهره‌گیری از قضاوت کارشناس است. کمیته نظارت بر بانکداری بازل (۲۰۲۰)، سطوح بالای عدم قطعیت را تشخیص داد، این عدم قطعیتها در مورد اطلاعات آینده‌نگر مربوط به برآورد زیانهای اعتباری موردانتظار و ارزیابیهای بانکهای موردانتظار برای انعکاس اثر کاهنده حمایت اقتصادی قابل ملاحظه و اقدامهایی در خصوص کاهش مبلغ پرداخت که توسط مقامهای دولتی و بخش بانکداری اعمال شده است، بود. هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (۲۰۲۰) توضیح داد که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ به واحدهای تجاری اجازه می‌دهد تا رویکرد خود را برای تعیین زیانهای اعتباری موردانتظار در شرایط مختلف تنظیم کنند. فرضها و پیوندهای زیربنای روشی که زیانهای اعتباری موردانتظار تا به امروز بر اساس آن اجرا شده، ممکن است دیگر در طول همه‌گیری وجود نداشته باشند. واحدهای تجاری نباید به اعمال روش‌شناسی زیان اعتباری موردانتظار موجود خود به‌طور مکانیکی ادامه دهند، بلکه باید برآوردهایی را براساس بهترین اطلاعات در دسترس در مورد رویدادهای گذشته، شرایط فعلی و پیش‌بینیهای از شرایط اقتصادی توسعه دهند. همچنین، باید آثار کووید-۱۹ و نیز اقدامهای حمایتی قابل ملاحظه به‌کار گرفته شده توسط دولت را مورد توجه قرار داد. به‌احتمال، در حال حاضر گنجاندن آثار خاص کووید-۱۹ و اقدامهای حمایتی دولت بر مبنای معقول و قابل‌پشتیبانی دشوار است. با وجود این، تغییر در شرایط اقتصادی باید در سناریوهای کلان اقتصادی اعمال شده توسط واحدهای تجاری و در برآوردهای آنها منعکس شود. اگر آثار کووید-۱۹ در مدلها قابل انعکاس نباشد، باید همپوشانیها یا تعدیلهای مدلهای بعدی در نظر گرفته شوند.

مقررات‌گذاران بر عدم قطعیت در برآورد زیان اعتباری موردانتظار تاکید کردند. بر اساس گزارش مقام ناظر بر بازار اوراق بهادار اتحادیه اروپا^{۲۸} (ESMA 2020)، ناشران باید میزانی که درجات بالای عدم اطمینان و هرگونه

تغییرات ناگهانی در چشم‌انداز اقتصادی کوتاه‌مدت می‌تواند بر کل عمر موردانتظار ابزار مالی تاثیر بگذارد را ارزیابی کنند. مقام ناظر بر بانکداری اروپا (۲۰۲۰) تاکید کرد که بانکها باید شرایط استثنایی فعلی را در هنگام تعیین این‌که کدام اطلاعات می‌تواند «معقول و قابل‌پشتیبانی» باشد، و همچنین تعیین ماهیت شوک (یعنی این‌که، آیا انتظار می‌رود موقتی باشد یا خیر) در نظر بگیرند.

ناظران نگران این مسئله بودند که، به‌ویژه در این زمان عدم قطعیت آشکار، نتایج مدل استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ ممکن است بیش از حد متغیر و دوره‌ای باشند. بانک مرکزی اروپا^{۲۹} (ECB 2020b) توصیه کرد که بانکهایی که در ارائه پیش‌بینیهای معقول و قابل حمایت با عدم قطعیت مواجه هستند، باید اهمیت بیشتری به چشم‌انداز پایدار بلندمدتی بدهند که از طریق تجربه در هنگام برآورد زیانهای اعتباری موردانتظار بلندمدت اثبات شده است. بانک مرکزی اروپا (۲۰۲۰ب)، به‌منظور کاهش نوسانهای نامناسب در سرمایه‌نظارتی و صورتهای مالی، رهنمودی را در مورد استفاده از پیش‌بینیها برای برآورد زیان اعتباری موردانتظار در طول همه‌گیری کووید-۱۹ ارائه کرد. بانک مرکزی مرجع مقررات احتیاطی انگلستان (۲۰۲۰) تاکید کرد که هرگونه تغییری که در زیان اعتباری موردانتظار برای برآورد تاثیر کلی کووید-۱۹ ایجاد شود، در معرض سطوح بسیار بالایی از عدم قطعیت قرار خواهد گرفت؛ زیرا اطلاعات آینده‌نگر معقول و قابل‌پشتیبانی کمی در دسترس هستند. این امر باعث می‌شود که پیاده‌سازی درست زیان اعتباری موردانتظار اهمیت بیشتری پیدا کند، تا ریسک شناسایی سطوح نامناسب زیان اعتباری موردانتظار توسط شرکتها را کاهش دهد، که بیش‌نمایی در آن می‌تواند باعث رفتاری شود که منجر به سختگیری غیرضروری در شرایط اعتباری می‌شود. با اذعان به این‌که بازارها به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای روند نزولی داشته‌اند، و اقدامهایی که برای مهار ویروس (از جمله فاصله‌گذاری اجتماعی و تعطیلی مشاغل) صورت گرفته، اگر به‌صورت جداگانه مورد قضاوت قرار گیرد، می‌تواند پیامدهای منفی بر توانایی پرداخت وام‌گیرندگان داشته باشد. مرجع مقررات احتیاطی بریتانیا تاکید کرد که این عوامل را نباید به‌صورت مجزا مورد قضاوت قرار

داد؛ زیرا دولتها و بانکهای مرکزی در سطح جهان مداخله‌های بی‌سابقه‌ای را برای به حداقل رساندن تاثیر بر افراد و شرکتها اعلام کرده‌اند. با توجه به ماهیت بی‌سابقه وضعیت فعلی و عدم قطعیت قابل ملاحظه‌ای که وجود دارد، اتکای بیشتری بر پوششها و راهبری آن‌ها قرار می‌گیرد. قضاوت‌های معقول در مورد زیان اعتباری مورد انتظار باید نشان دهد که شوک اقتصادی ناشی از همه‌گیری به احتمال موقتی خواهد بود؛ اگرچه مدت زمان آن نامشخص است. در حالی که می‌توان فرض کرد که پیامدهای اقتصادی ناشی از همه‌گیری می‌تواند به این معنا باشد که برخی از وام‌گیرندگان از افول بلندمدت ریسک اعتباری رنج می‌برند، بسیاری از آن‌ها در کوتاه‌مدت به اقدام‌های حمایتی نیاز خواهند داشت، اما از افول در احتمال نکول در طول عمر آن‌ها آسیب نمی‌بینند.

پیشنهادها در حوزه سیاست‌گذاری برای نهادهای ناظر بانکی

۳.۱ نهادهای استانداردگذار و چارچوب حسابداری

نهادهای استانداردگذار از پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری جهانی باکیفیت پشتیبانی می‌کنند. «اصول اساسی برای نظارت موثر بانکی» بازل^{۳۰} (موسوم به BCBS 2012) ایجاب می‌کند که ناظران تعیین کنند که بانکها و گروه‌های بانکی صورتهای مالی را مطابق با رویه‌ها و شیوه‌های حسابداری که در سطح بین‌المللی به‌طور گسترده پذیرفته شده‌اند، تهیه کنند (اصل پایه ۲۷، معیارهای اساسی ۱). هیئت ثبات مالی^{۳۱} (FSB) (2009) توصیه می‌کند که استانداردهای گزارشگری برای شناسایی و ذخیره‌گیری زیان وام که طیف وسیعتری از اطلاعات اعتباری موجود را دربر می‌گیرد، رویکرد جایگزینی را برای «زیان اعتباری تحمل‌شده» مورد توجه قرار دهند و از هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری و هیئت استانداردهای حسابداری مالی^{۳۲} برای ادامه تلاشها به‌منظور دستیابی به مجموعه واحدی از استانداردهای حسابداری جهانی باکیفیت مدد بجویند. (جلسه هیئت ثبات مالی در لندن در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵).

شیوه‌های ارزش‌گذاری منطبق با استانداردهای حسابداری که

به‌طور گسترده در سطح بین‌المللی پذیرفته شده‌اند، به ارزیابی قوی ریسک اعتباری، بازار، و نقدینگی کمک می‌کنند. این موضوع برای بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه به‌منظور جذب سرمایه‌گذاریهای خارجی حیاتی است. استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (الف) از طریق افزایش قابلیت مقایسه و کیفیت اطلاعات مالی بین‌المللی سبب شفافیت می‌شود؛ (ب) پاسخگویی را از طریق کاهش شکاف اطلاعاتی بین تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان صورتهای مالی تقویت می‌کند و (پ) با کمک به سرمایه‌گذاران در شناسایی ریسک و فرصتهای جهانی به کارایی اقتصادی کمک می‌کند، و بنابراین تخصیص سرمایه را بهبود می‌بخشد.

در **تفاهم‌نامه‌ای**^{۳۳} که با بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (۲۰۱۷) به امضا رسید، تاکید شده است که بانک جهانی اطلاعات مالی قابل اعتماد را پیش‌نیاز دسترسی به منابع مالی می‌داند، در حالی که اعتماد سرمایه‌گذاران به اطلاعات مالی برای افزایش اعتماد در بازارهای سرمایه و بانکها، همچنین ترویج رونق اقتصادی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه، بسیار مهم است. بانک جهانی حامی بلندمدت کار و نیز توسعه مجموعه واحدی از استانداردهای حسابداری جهانی باکیفیت بوده است، و این بانک در تشویق توسعه و پیاده‌سازی صحیح استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و استفاده آن‌ها در سراسر جهان نقش پیشرو داشته است، و این مهم را از طریق ارزیابی تطبیق با استفاده از گزارشهای مربوط به رعایت استانداردها و ضوابط انجام داده است. پروژه‌های متعددی برای ارائه کمکهای فنی به بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه در این زمینه طراحی شده است؛ و برخی وامها مشروط به پیاده‌سازی صحیح استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و به‌عنوان ابزاری برای تقویت بخش مالی هستند.

بانک جهانی از پیاده‌سازی صحیح استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ توسط کشورهای مشتری آن حمایت می‌کند و پیاده‌سازی استاندارد فوق را برای اطمینان از یکنواختی جهانی و چارچوب قوی ذخیره‌گیری وام، ضروری می‌داند. مدل زیان اعتباری تحمل‌شده، که قبل از ژانویه

زود هنگام زیانهای اعتباری، که هم با شفافیت صورتهای مالی و هم با اهداف محتاطانه ایمنی و صحت سازگار است، به طور بالقوه می تواند حرکت های چرخه ای را خنثی کرده و فرایند دوره ای را کاهش دهد (هیئت ثبات مالی ۲۰۰۹).

بر اساس استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹، بخشی از زیانهای کاهش ارزش که به طور معمول طی دوره رکود رخ می دهد، در مراحل اولیه چرخه اعتباری، و حتی در مرحله شروع می تواند شناسایی شود، و باید زیانهای فوق هنگام ظهور اولین نشانه های رکود، یعنی زمانی که بانکها بهتر می توانند این زیانها را تحمل کنند، افزایش یابد. پیش بینی رکود مذکور ممکن است فرایند دوره ای را کاهش دهد و انقباض اعتباری را شدیدتر کند. شناسایی زود هنگام زیان نیز نگرانی بازار پیرامون کفایت سرمایه را کاهش می دهد. با وجود این، عوامل مختلفی نظیر محدودیتهای در فرضهای پیش بینی، ریسک مدل، فقدان محرکها، و انتظارات سهامداران ممکن است سبب محدودسازی توانایی و تمایل بانکها در پیش بینی رکود فوق شوند (سرانو^{۳۵} ۲۰۱۹).

به علاوه استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ ممکن است آثار دوره ای داشته باشد که این آثار ناشی از تغییرات چرخه ای در داده های ورودی زیان اعتباری مورد انتظار و تغییر نظام مند از مرحله ۱ به مرحله ۲ است. زیان اعتباری فزاینده که ناشی از یک مرحله منفی چرخه کسب و کار یا اعتباری است، ممکن است سبب کاهش سرمایه بانکی شود، و چنانچه با اعتماد بازار همسو باشد، می تواند فشارهای اهرمزدایی را افزایش دهد. دوره ای بودن استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ یک موضوع بحث برانگیز است، و به ویژه مقایسه آن با مدل جاری زیانهای اعتباری مورد انتظار (CECL)^{۳۶} (باسه آ و همکاران، ۲۰۱۹؛ هیئت ریسک سیستمی اروپا (ESRB)^{۳۷} ۲۰۱۹ الف) جای بحث دارد. مطالعه اخیر هیئت ریسک سیستمی اروپا (ESRB 2019a) از این ایده حمایت می کند که چنانچه محرکهای انتقال داراییهای مالی به مرحله ۲ بسیار بالا باشد و از این رو بانکها نتوانند از قبل رکود را پیش بینی کنند، در آن صورت ممکن است که استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ در آغاز رکود مذکور دوره ای باشد. این امر

۲۰۱۸ در اکثر قلمروهای حاکمیتی مطرح بود، شناسایی زیان را به تأخیر می اندازد و سرمایه بانکها را متورم می کند. کمیته بازل، زیان اعتباری مورد انتظار را برای نظارت بانکی به رسمیت می شناسد و آن را «گام مهمی به جلو و نیز رفع ضعف شناسایی شده در طول بحران مالی می داند و آن ضعف، شناسایی نامناسب و دیر هنگام زیان اعتباری است» (کمیته نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۱۵). استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ به بانکها انگیزه می دهد تا از مدیریت صحیح ریسک اعتباری و شیوه های قوی ذخیره گیری پیروی کنند. به همین منظور، بانک جهانی پیاده سازی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ را توصیه می کند، زیرا زیان اعتباری مورد انتظار محتاطانه تر از مدل زیان تحمل شده است و چارچوب حسابداری را می سازد.

با وجود این، ناظران بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه باید از اثر دوره ای و بالقوه استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ آگاه باشند (به کادر ۳ مراجعه کنید).

کادر ۳- آیا استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ دوره ای است؟

پس از همه گیری کرونا، مقررات گذاران، ناظران و استانداردها گزاران حسابداری بیانیه های مختلفی را با هدف محدودسازی فرایند دوره ای استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ منتشر کردند. سیستم مالی فوق ممکن است نقش تقویت کننده شوک و نه جذب کننده آن را ایفا کند، و لذا سازوکار بازخورد بین اقتصاد واقعی و بخش مالی را تشدید می کند. به عنوان مثال، استاندارد بین المللی حسابداری ۳۹ از مجموعه استانداردهای حسابداری به شدت بر ارزش گذاریهای بازار تکیه کرده است، و چنین امری ممکن است به دلیل شفافیت توجیه پذیر باشد، اما این استانداردها فرایند دوره ای مازاد را در پی دارند (بوریو و رستوی^{۳۴} ۲۰۲۰). به علاوه، طبق استاندارد بین المللی حسابداری ۳۹، ذخیره برای زیانهای وام تنها در صورتی شناسایی می شود که یک رویداد کاهش ارزش رخ داده باشد (تحمل شده) و بانکها نیز از شناسایی کامل زیانهای اعتباری موجود در ابتدای دوره اعتباری ناکام بمانند. شناسایی

ممکن است سبب انتقال آسیب‌پذیریها از مرحله ۱ به مرحله ۲ (آثار صخره‌ای)، تحت شرایط وخیم اقتصادی شود، که به‌نوبه‌خود ممکن است سیر حرکت منفی چرخه کسب‌وکار را تشدید کند و از دیدگاه ثبات مالی سبب نگرانی شود. با وجود این، چارچوب احتیاطی جاری، در مقایسه با چارچوب موجود در زمان بحران مالی جهانی، سپردهای مالی متعددی (نظیر **سپر حفاظ سرمایه** (CCB)^{۲۸}، **سپر ضد چرخه‌ای** (CCyB)^{۲۹} و **بانکهای مهم نظام‌مند جهانی** (G-SIB)^{۴۰}) دارد که می‌تواند به شکل دوره‌ای کاهش یابد. بحث جامع در مورد دوره‌ای بودن را نباید به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ مختص دانست، بلکه موضوع فوق را باید به چارچوب بازل ۳ نیز پیوند داد، و به کل سیستم فوق (سپردهای سرمایه، سازوکارهای گذار، و غیره) نگرست. بنابراین مهم است که بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه یک چارچوب احتیاطی کلان را که از سپردهای متعددی متشکل است، را معرفی نمایند که می‌تواند آثار دوره‌ای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را خنثی کند (به توصیه شماره ۶ مراجعه کنید).

۲.۳ توصیه‌هایی برای نهادهای ناظر بانکی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه که هنوز استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را پیاده‌سازی نکرده‌اند.
۳.۲.۱ مرحله مقدماتی (آماده‌سازی)
توصیه شماره ۱:

نهاد ناظر بانکی باید (۱) شرایط پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را به اندازه کافی آماده کند، (۲) گذار به مرحله اجرا را راهبردی کند، (۳) آگاهی هیئت‌مدیره بانکها را پیرامون میزان چالشها افزایش دهد، و (۴) در مورد محدوده اعمال استانداردهای حسابداری تصمیم‌گیری کند.

نهادهای ناظر بانکی و بانکها باید قبل از شروع به پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ به‌طور کامل آماده باشند. این امر مستلزم سرمایه‌گذاری بااهمیت در زمینه مدل‌های جدید، زیرساختهای فناوری اطلاعات، جمع‌آوری داده‌ها، مدیریت ریسک، راهبری، و منابع انسانی است، که ممکن است در دوره‌ای که بانکها با همه‌گیری کووید-۱۹

دست‌وپنجه نرم می‌کنند، انجام آن‌ها بسیار دشوار باشد. به‌علاوه، ناآشنایی با مدل‌سازی ریسک اعتباری در بانکها و با نهادهای ناظر بانکی، میزان چالشها را افزایش می‌دهد. نهادهای ناظر بانکی باید یک برنامه مقدماتی و جامع تدوین کنند. حتی اگر نهادهای ناظر بانکی که ممکن است به‌الزام مسئول استانداردهای حسابداری نباشند، باز هم توصیه می‌کنیم همکاری میان نهادهای ناظر بانکی و استانداردگذاران حسابداری تقویت شود، و چنین امری از طریق افزایش اشتراک اطلاعات، درک تعامل بین چارچوب احتیاطی و حسابداری، و اشتراک‌گذاری دیدگاه‌ها پیرامون ابتکارهای مربوط محقق می‌شود.

نهادهای ناظر بانکی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه باید گذار به سوی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را راهبردی کنند. گنجاندن پروژه پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ در اولویت‌های نظارتی و مشخص کردن پیش‌شرطهای یک گذار موثر، ممکن است مفید باشد. در طول مرحله مقدماتی فوق به نهادهای ناظر بانکی توصیه می‌کنیم استانداردهای بین‌المللی، رهنمودها (کمیت‌ه نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۱۵، پ، ۲۰۱۶، ۲۰۱۷ الف و ۲۰۲۰) و شیوه‌های مناسب را بررسی و بر تعامل با چارچوب حسابداری تمرکز و بررسی نمایند که آیا اصلاحاتی در سیستمهای گزارشگری نظارتی مورد نیاز است یا خیر.

نهادهای ناظر بانکی باید آگاهی هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد بانکها پیرامون اهمیت چالشها را بالا ببرند. برنامه‌ریزی جلسه‌های منظم با متصدیان خاص بانکها (به‌عنوان مثال، مدیریت ریسک، مدیر ارشد مالی، فناوری اطلاعات، هیئت‌مدیره) ممکن است به ارزیابی میزان آمادگی از سوی این متصدیان کمک نموده و تاثیر مورد انتظار استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را بر سودآوری بانکها، ذخیره زیان وام، و سرمایه تعیین کند. نهادهای ناظر بانکی از طریق مشارکت‌دهی حسابرس مستقل در جلسه‌های دوجانبه و سه‌جانبه نه تنها می‌توانند نحوه انجام تعهدهای حسابرسان را بهتر درک کنند، بلکه می‌توانند برآوردهای بانکها در خصوص تاثیر کمی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را نیز تایید کنند (به کادرهای ۴ و ۵ مراجعه کنید).

کادر ۴- تایلند: آمادگی برای پیاده‌سازی استاندارد

گزارشگری مالی تایلند ۹ (TFRS 9)

بانک مرکزی تایلند^{۴۱} (BOT) همراه با موسسه‌های مالی، تایلند در سال ۲۰۱۶، شروع به آماده‌سازی برای اجرای استاندارد گزارشگری مالی تایلند ۹ کردند. بانک مرکزی تایلند اقدام به ایجاد استراتژی، خط‌مشی و فرایندهای عملیاتی، همچنین آموزش و پرورش کارکنان و ذینفعان نمود. بانک مذکور با طیف وسیعی از ذینفعان شامل وزارتخانه‌ها، مقررات‌گذاران (تنظیم‌کنندگان)، بانکها، حساب‌رسان، استانداردگذاران، و بخش حقیقی سروکار دارد. بانک مرکزی تایلند و موسسه‌های مالی، همچنین در راستای حمایت از پیاده‌سازی استاندارد گزارشگری مالی تایلند ۹، اقدام به سرمایه‌گذاری، توسعه، و تنظیم سیستمها و پایگاه‌های داده‌ها نمودند. بانک مذکور سطح آمادگی بانکها برای پیاده‌سازی استاندارد گزارشگری مالی تایلند ۹ را بررسی کرد و مطالعات تاثیر کمی بر روی زبان اعتباری موردانتظار و طبقه‌بندی و اندازه‌گیری انجام داد. در سال ۲۰۱۸، بانک مرکزی تایلند شروع به نظارت فعالانه بر پیشرفت پیاده‌سازی استاندارد گزارشگری مالی تایلند ۹ در بانکها نمود و مقررات لازم را وضع کرد. از اوایل سه ماه آخر سال ۲۰۱۸، بانکها موظف شدند که داده‌های استاندارد گزارشگری مالی تایلند ۹ خود را به مدت چهار فصل متوالی، یعنی تا آخر سه‌ماهه سوم سال ۲۰۱۹، به بانک مرکزی تایلند ارسال کنند. هرچند پذیرش زودتر از موعد مجاز بود، ولی هیچ یک از بانکها این تصمیم را اتخاذ نکردند.

کادر ۵- جمهوری مقدونیه شمالی: آمادگی برای

پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹

پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ توسط **بانک مرکزی جمهوری مقدونیه شمالی** (NBRNM)^{۴۲} با مشارکت چندین اداره و با همکاری نزدیک ذینفعان مربوط، مانند بانکها، انجمن بانکداری، و حساب‌رسان مستقل انجام شد. در طول مرحله مقدماتی، بانک مرکزی مقدونیه به بررسی اصلاحات لازم در مقررات و همچنین به بررسی آثار احتمالی پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بر عملکرد مالی و فرایندهای تجاری بانکها (طی سه‌ماهه

سوم و چهارم سال ۲۰۱۶) پرداخت. بانک مرکزی مقدونیه یک بحث آزاد با انجمن بانکداری، همچنین بانکهای بزرگ و حساب‌رسان مستقل، برای جمع‌آوری بینشهای صنعت برگزار و اقدام به جمع‌آوری رهنمودهای اضافی کرد که شرکت‌های تابعه محلی بانکهای اتحادیه اروپا از شرکت‌های اصلی خود دریافت کرده بودند. بانک مرکزی مقدونیه همچنین میزان آمادگی بانکها، چالشهای ناشی از پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ و آثار احتمالی آن بر گزارشگری و ترازنامه بانکها را در جریان میزگردها و جلسات دوجانبه بررسی کرد. در سال ۲۰۱۷، بانک مرکزی مقدونیه برای ایجاد ظرفیتهای موردنیاز خود، برخی کمکیهای فنی از سازمانهای بین‌المللی (ازجمله مرکز مشاوره بخش مالی بانک جهانی، و مرکز اصلاحات گزارشگری مالی) و ناظران اتحادیه اروپا (مانند بانک اسلوونی) دریافت نمود. در فوریه ۲۰۱۷، بانک ملی مقدونیه استراتژی خود را به بانکهای تجاری ارائه کرد و درباره پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ ازجمله مسایل روش‌شناختی با آنها به بحث و بررسی پرداخت.

نسخه پیش‌نویس تصمیمهای بانک مرکزی مقدونیه در زمینه روش‌شناسی برای مدیریت ریسک اعتباری و با توجه به مشاوره‌های عمومی، تقویت شد. اگرچه، نظرهای دریافتی به‌طور رسمی لحاظ شدند ولی منتشر نشدند. در طول مرحله پیاده‌سازی، پرسشنامه‌ای به بانکها و واحدهای پس‌انداز در خصوص فعالیتهای آنها در زمینه پیاده‌سازی تصمیم مدیریت ریسک اعتباری ارسال شد (فوریه ۲۰۱۹). علاوه بر این، ارتباطی مستمر با بانکها در قالب پرسش و پاسخهایی که در وبسایت بانک مرکزی مقدونیه منتشر شده‌اند، برقرار است. همچنین، بانک مرکزی مقدونیه در مورد موضوعهایی که به‌نظر می‌رسد نیاز به توضیح بیشتر دارند، رهنمود صادر می‌کند.

در ابتدا، تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای بین بانکهای محلی و بانکهای متعلق به بانکهای اصلی اتحادیه اروپا از نظر میزان آمادگی و آگاهی آنها در زمینه پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ وجود داشت. بانکهای متعلق به اتحادیه اروپا با تکیه بر رهنمودهای گروه بانکی خود و آگاهی از داده‌های موردنیاز، آمادگی بیشتری داشتند. در همان زمان،

بانکهای محلی و بانکهای متعلق به بانکهای مادر خارج از اتحادیه اروپا می‌توانستند در دستورعملهای بانک مرکزی مقدونیه اعمال نفوذ نمایند. بانک مرکزی مقدونیه بیان کرد که در حال حاضر، تمامی بانکها به دلیل تغییراتی که در سیستمهای نظارتی و عملیاتی آنها به وجود آمده است، دارای سطح آمادگی مشابهی برای پیاده‌سازی استاندارد مذکور هستند.

تصمیم‌گیری درباره محدود کردن کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ یک گام بسیار مهم مرحله مقدماتی است. چنین تصمیم‌گیری با کاربرد متناسب استانداردهای حسابداری مرتبط است، که مشابه با استانداردهای احتیاطی می‌تواند اندازه و پیچیدگی بانکها را در نظر بگیرد. کمیته بازل با توجه به پیوند بین ذخیره‌گیری حسابداری و سرمایه‌گذاری، چندین بار (طی سالهای ۲۰۱۵، ۲۰۱۷ و ۲۰۲۰) در این موضوع وارد شده است.

چنانچه به اصول اساسی برای نظارت موثر بر بانکداری (۲۰۱۲)، بندهای ۱۷ و ۳۱، همچنین اصل اساسی ۸) توجه کنیم، رهنمود کمیته بازل در مورد ریسک اعتباری و حسابداری برای زیان اعتباری مورد انتظار (کمیته نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۱۵ پ) نشان می‌دهد که نهادهای ناظر بانکی پیرامون نظارت و استانداردهای حاکم بر بانکها یک رویکرد مناسب را اتخاذ می‌کنند. با وجود این، کمیته مذکور همچنین هشدار می‌دهد که استفاده از رویکردهای متناسب با طراحی مناسب نباید پیاده‌سازی با کیفیت چارچوبهای حسابداری زیان اعتباری مورد انتظار را با مشکل مواجه سازد. این تناسب، بانکها را قادر می‌سازد تا روشهای اندازه‌گیری ذخایر مناسبی اتخاذ کنند که با اندازه، پیچیدگی، ساختار، اهمیت اقتصادی، و ویژگیهای ریسک همخوانی دارند. به عبارت دیگر، تناسب به‌هنگام محاسبه زیان اعتباری مورد انتظار از سهل‌انگاری جلوگیری می‌کند.

هنگام تعریف محدود کردن کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه دو گزینه اصلی دارند: (الف) الزام تطبیق کلیه بانکها برای صورتهای مالی تلفیقی و جداگانه و (ب) محدود کردن کاربرد استاندارد

مذکور به حسابهای تلفیقی بانکها، یا به بانکهای پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، و یا محدود کردن آنها به بانکهایی که اندازه و پیچیدگی معینی داشته باشند. به عنوان مثال، در اتحادیه اروپا، استفاده از استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ تنها برای حسابهای تلفیقی شرکتها سهامی عام، اجباری است؛ کشورهای عضو اتحادیه اروپا ممکن است استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را تنها برای دو مورد مجاز یا الزامی نمایند (الف) حسابهای جداگانه سالانه شرکتها سهامی عام و (ب) حسابهای تلفیقی و سالانه شرکتها سهامی عام نمی‌باشند (ماده ۴ و ۵ مقررات اتحادیه اروپا، شماره ۲۰۰۲/۱۶۰۶؛ به کادر ۶ مراجعه کنید). در کشور رواندا، همه بانکها ملزم به رعایت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای صورتهای مالی اعم از جداگانه و تلفیقی شرکتها بورسی و غیربورسی هستند (ماده ۴۶ قانون بانکداری شماره ۲۰۱۷/۴۷). در کشور برزیل، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی فقط برای صورتهای مالی تلفیقی بانکها در قسمتهای ۱، ۲ و ۳ اجباری است، در حالی که پذیرش این استانداردها برای موسسه‌های کوچک‌تر از ابتدای سال ۲۰۲۲ شروع می‌شود (به کادر ۷ مراجعه کنید).

هر سیاستی دارای مزایا و معایب خاص خود است. الزام استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای همه بانکها از سیستمهای حسابداری دولایه یا چندلایه (بانکهای بورسی/ غیربورسی، حسابهای تلفیقی/ جداگانه، بانکهای بزرگ/ کوچک) جلوگیری می‌کند و امکان گزارشگری نظارتی یکسان را فراهم می‌آورد. با وجود این، ممکن است ایجاد یک مدل زیان اعتباری مورد انتظار داخلی آنها هم در زمانی که تقاضا برای منابع استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی زیاد است، برای بانکهای کوچک‌تر دشوار باشد. نتیجه این امر می‌تواند منجر به اتکای بیشتر به برون‌سپاری با ظرفیت داخلی محدود برای مدیریت ریسکهای مرتبط (اتکا به شخص ثالث، تضاد منافع ارائه‌دهنده خدمت، امنیت داده‌ها، حقوق فسخ، و غیره) شود. نهادهای ناظر بانکی باید از این ریسکها آگاه بوده و اقدامهای مناسبی را برای رفع آنها انجام دهند.

در نقطه مقابل، الزام کاربرد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تنها برای بانکهایی با اندازه معین منجر

جداگانه سالانه خود را مطابق با استانداردهای بین‌المللی حسابداری تهیه کنند. علاوه بر این، کشورهای عضو نیز همین اختیار را در رابطه با شرکتهای غیرسهامی عام دارند (مواد ۴ و ۵ مقررات اتحادیه اروپا، ۲۰۰۲/۱۶۰۶). کشور ایتالیا، که در گذشته از هر دو گزینه استفاده کرده بود و کلیه بانکها را ملزم به تهیه حسابهای جداگانه و تلفیقی خود مطابق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (D. Lgs شماره ۳۸/۲۰۰۵) کرده بود، به تازگی به شرکتهای غیربورسی اجازه داده است که صورتهای مالی خود را بر اساس استانداردهای حسابداری ملی تهیه کنند (ماده ۱، بخش ۱۰۷۰، خط ۱۴۵/۲۰۱۸).

در اصل، اتحادیه اروپا کاربرد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را با توجه به اندازه و پیچیدگی شرکتهای همچنین با توجه به وظیفه افشای ناشی از وضعیت واحدهای تجاری پذیرفته شده، تنظیم کرده است. با این فرض که شرکتهای سهامی عام نسبت به شرکتهای غیربورسی پیچیده تر هستند، حسابهای تلفیقی شرکتهای پذیرفته شده در بورس باید به منظور حصول اطمینان از بالاتر بودن درجه شفافیت و قابلیت مقایسه، استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را رعایت نمایند. این یک گزینه مهم سیاستی است که بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه باید قبل از پیاده سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، با در نظر گرفتن چالشهای مرتبط برای بانکهای کوچک غیربورسی با پیچیدگی کمتر، به آن توجه داشته باشند.

بخش بانکی از این قاعده کلی عدول نمی‌کند. در واقع، ماده ۲۴ قانون شماره ۱۳/۵۷۵ اتحادیه اروپا (مقررات الزامات سرمایه^{۴۴}) بیان می‌کند که ارزش‌گذاری داراییها و اقلام خارج از ترازنامه («فقط») مطابق با چارچوب حسابداری قابل اجرا تحت تاثیر قرار می‌گیرد. به عنوان انحرافی از بند ۱، ممکن است مقامات ذیصلاح بخواهند که موسسه‌ها بر ارزش‌گذاری داراییها و اقلام خارج از ترازنامه و همچنین تعیین صندوقهای خود مطابق با استانداردهای بین‌المللی حسابداری که در چارچوب مقررات شماره ۲۰۰۲/۱۶۰۶ کمیسیون اروپا^{۴۵} قابل اجرا است، تاثیر بگذارند.

بر اساس مطالعه اخیر کمیسیون اروپا (۲۰۲۰)، بانکهایی که برای صورتهای مالی خود به جای استانداردهای بین‌المللی

به رعایت اصل تناسب می‌شود، اما ممکن است چارچوب حسابداری و گزارشگری را از هم جدا و آثار صخره‌ای را ایجاد نماید (به عنوان مثال، زمانی که یک بانک درست در زیر آستانه تعیین شده قرار بگیرد). در چنین مواردی، توصیه می‌کنیم که موسسه‌های اعتباری کوچک متعلق به گروه‌های بانکی نیز مجاز به کاربرد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی باشند، تا بتوانند چارچوب حسابداری و گزارشگری مالی خود را با مجموعه مالی یا گروه بانکی همسو نمایند.

محدود نمودن کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ به بانکهای پذیرفته شده در بورس نباید منجر به ارائه اطلاعات مبهم توسط بانکهای غیربورسی در زمینه کیفیت دارایی آنها و شاخصهای ذخیره‌گیری شود. «اصول راهبری شرکتی برای بانکها» که توسط بازل ارائه شده است (کمیته نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۱۵ الف)، همه بانکها را ملزم به افشای اطلاعات و شفافیت نسبت به سپرده‌گذاران، سهامداران، و سایر ذینفعان می‌نماید. یک بانک صرف نظر از اینکه در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد یا نشده باشد، باید اطلاعات کلیدی خود را در زمینه ریسک‌هایی که در معرض آنها قرار دارد و همچنین راهبردهای مدیریت ریسک خود را افشا کند (کمیته نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۱۵ الف، بند ۱۵۵). علاوه بر این، بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه که چارچوب بازل ۲/۳ را پیاده‌سازی کردند، باید نسبت به ستون ۳ چارچوب هشیار باشند. این ستون مشخص‌کننده الزامهای افشای ریسک اعتباری است که از هردوی اطلاعات کیفی و کمی، از جمله ذخیره‌گیری حسابداری برای زیان اعتباری، تشکیل شده است (کمیته نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۱۹ ب).

کادر ۶- اتحادیه اروپا: تناسب در کاربرد استاندارد

بین‌المللی گزارشگری مالی ۹

چارچوب نظارتی اتحادیه اروپا، اعمال استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را برای حسابهای جداگانه بانکها تجویز نمی‌کند. در اتحادیه اروپا فقط حسابهای تلفیقی شرکتهای سهامی عام باید مطابق با استانداردهای بین‌المللی حسابداری تهیه شوند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا ممکن است اجازه دهند یا ملزم کنند که شرکتهای سهامی عام نیز حسابهای

گزارشگری مالی از استانداردهای حسابداری ملی استفاده می‌کنند، اغلب بانکهای خرده‌فروشی محلی کوچک هستند. نسبت کل داراییهای بانکی که طبق اصول پذیرفته‌شده حسابداری (GAAP) گزارش شده‌اند، به‌استثنای آلمان (۵۲،۱ درصد) و اتریش (۲۲،۷ درصد)، کمتر از ۵ درصد کل داراییهای بانکی است. حتی اگر بسیاری از استانداردهای حسابداری ملی، ذخایر ریسک اعتباری را فقط بر اساس زیانهای تحمل‌شده قبلی تعیین کنند، باز هم تاثیر کلی آن بر نسبتهای احتیاطی، محدود در نظر گرفته می‌شود، دلیل این امر آن است که چارچوبهای حسابداری ملی اغلب ذخایر دیگری، مانند ذخیره‌گیری عمومی ریسک اعتباری را از قبل تعیین کرده‌اند که تاثیر تفاوت‌های حسابداری را در عمل محدود می‌کند.

کادر ۷- برزیل: محدوده کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹

در کشور برزیل، موسسه‌های مالی سهامی عام پذیرفته‌شده در بورس و موسسه‌های مالی فعال در قسمتهای ۱، ۲ و ۳، باید صورتهای مالی تلفیقی خود براساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تهیه کنند. مقررات ۴۷۷۶ بانک مرکزی برزیل (BCB) در سال ۲۰۲۰، موسسه‌های مالی پذیرفته‌شده و موسسه‌های مالی فعال در قسمت ۱ (که کل داراییها آنها بالاتر از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی یا فعالیتهای بین‌المللی مرتبط انجام می‌دهند)، قسمت ۲ (که کل داراییهای آنها بین ۱ درصد و ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی است)، و قسمت ۳ (که کل داراییها بین ۰،۱ درصد و ۱ درصد تولید ناخالص داخلی است) را ملزم می‌کند که صورتهای مالی تلفیقی خود را مطابق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی افشا نمایند. علاوه بر این، بانک مرکزی برزیل براساس قانون بانکداری و قانون ۱۱۹۴۱ در سال ۲۰۰۹، مقررات‌گذار حسابداری برای بخش بانکداری است. بخشنامه ۱۲۷۳ بانک مرکزی برزیل در سال ۱۹۸۷، که الزامهای نظارتی حسابداری موسسه‌های مالی (COSIF) را ایجاد نمود، استاندارد حسابداری محلی را برای بانکها تعیین و موسسه‌های

مالی را ملزم می‌کند که صورتهای مالی و یادداشتهای توضیحی خود را همراه با اظهارنظر حسابرس مستقل منتشر نمایند. علاوه بر این، آن دسته از موسسه‌های مالی که مجبور نیستند صورتهای مالی تلفیقی را منتشر کنند، اما به هر دلیلی می‌خواهند این کار را انجام دهند، باید قوانین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را به‌طور کامل رعایت کنند. در نتیجه، حدود نیمی از بانکها، صورتهای مالی خود را مطابق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تهیه و منتشر می‌نمایند. علاوه بر این، همه بانکها صورتهای مالی جداگانه خود را مطابق با الزامهای نظارتی حسابداری موسسه‌های مالی تهیه و منتشر می‌کنند. اظهارنظر حسابرس برای صورتهای مالی یک شرکت به اصول پذیرفته‌شده حسابداری برزیل (BRGAAP) اشاره دارد؛ گزارش حسابرس به‌طور معمول شامل یک بند توضیحی درباره تشریح تفاوتها بین اصول پذیرفته‌شده حسابداری برزیل و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است.

توصیه شماره ۲:

نهادهای ناظر بانکی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای درحال توسعه باید روی ظرفیت مدل‌سازی ریسک اعتباری سرمایه‌گذاری کنند؛ با وجود این، آنها باید از حرکت به سوی رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی^{۴۸} خودداری کنند.

۶۹ درصد از پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی ما اظهار داشتند که هنگام پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، مهم‌ترین چالش پیش‌روی آنها مدل‌سازی ریسک بود. نهادهای ناظر بانکی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای درحال توسعه اغلب فاقد کارکنانی ماهر در زمینه تحلیلهای کمی هستند. این کمبود نیرو به‌ویژه برای بازارهای نوظهور و اقتصادهای درحال توسعه که استفاده از رویکردهای پیشرفته در بازل ۲/۳ را در قلمروهای حاکمیتی خود تایید کرده‌اند، مشکل‌ساز بوده است، که دلیل آن نیز اتکای بانکها به مدلهای داخلی در تعیین برآوردهای ریسک اعتباری و الزامهای سرمایه است (هیئت ثبات مالی، صندوق بین‌المللی پول، و بانک جهانی (۲۰۱۱)).

شرایط استفاده کنند.

می‌توان از راهکارهای فناوری نظارتی در بررسی چالشهای مربوط به جمع‌آوری و مدل‌سازی زیان اعتباری موردانتظار استفاده نمود. برنامه‌های کاربردی فناوری نظارتی می‌تواند به ارتقای جمع‌آوری و اعتبارسنجی داده‌ها طی فرایند ساخت یک مدل زیان اعتباری موردانتظار کمک کند. اول، این برنامه‌ها آشکال گوناگونی از گزارشگری خودکار مانند (الف) ارائه اطلاعات همگون به ناظران توسط بانکها و (ب) استخراج اطلاعات مربوط از سیستمهای فناوری اطلاعات بانکهای نظارت‌شده را فراهم می‌کنند. دوم، می‌توان از روشهای پیشرفته گوناگونی مثل تحلیل داده‌های بزرگ و یادگیری ماشینی برای بهبود تایید اعتبار و مدل‌سازی زیان اعتباری موردانتظار استفاده نمود. از برنامه‌های کاربردی فناوری نظارتی نیز می‌توان برای تحلیل مقادیر عظیمی از داده‌ها برای پیش‌بینی و همچنین گنجاندن اطلاعات آینده‌نگر در زیان اعتباری موردانتظار استفاده کرد. برآورد متغیرهای اصلی (به‌عنوان مثال، احتمال نکول، افزایش قابل‌ملاحظه در ریسک اعتباری و زیان ناشی از نکول)^{۴۹} می‌تواند یکی دیگر از کاربردهای ممکن آنها باشد.

نهادهای ناظر بانکی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای درحال توسعه ممکن است در ارتباط با پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی اغوا شوند و به بانکها اجازه بدهند که از مدلهای داخلی به‌منظور محاسبه الزامات سرمایه استفاده کنند. ما این گزینه را توصیه نمی‌کنیم. به‌ویژه بازارهای نوظهور و اقتصادهای درحال توسعه که سیستمهای مالی آنها در سطح بین‌المللی یکپارچگی کمتری دارند و محدودیتهایی اساسی در زمینه ظرفیت نظارت دارند، ابتدا باید بر روی اصلاحات متمرکز شوند تا مطمئن شوند کار آنها با اصول اساسی بازل منطبق است و تنها پس از آن متناسب با شرایط خود اقدام به اجرای استانداردهای سرمایه‌ای پیشرفته‌تر نمایند (هیئت ثبات مالی، صندوق بین‌المللی پول، و بانک جهانی ۲۰۱۱). هنوز هم کمبودهایی در برخی بازارهای نوظهور و اقتصادهای درحال توسعه در زمینه‌های اساسی (به‌عنوان مثال، استقلال ناظر، معاملات با اشخاص وابسته، راهبری شرکتی، مدیریت

منابع انسانی ماهر در زمینه مدل‌سازی ریسک اعتباری به‌طورمعمول کمیاب است و بنا به دلایل مختلف از جمله جذاب‌تر بودن شرایط کار در بخش خصوصی، معمولاً این نیروی کار ماهر در اختیار نهادهای ناظر بانکی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای درحال توسعه قرار ندارند. پس از معرفی رویکردهای مدل داخلی (در سال ۲۰۰۴) توسط بازل ۲، بسیاری از نهادهای ناظر بانکی در کشورهای ثروتمند و برخی ناظران در بازارهای نوظهور و اقتصادهای درحال توسعه، اقدام به استخدام کارکنان ماهر اندک واجد شرایط در رشته‌های کمی‌سازی نموده و به کمک آنها گروه‌های مدل‌سازی ریسک خود را ایجاد کردند. حال سایر ناظران در بازارهای نوظهور و اقتصادهای درحال توسعه که محدودیتهای بودجه‌ای بیشتری دارند، مجبور هستند برای پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ با بانکها بر سر به‌دست آوردن منابع کمیاب موجود رقابت کنند. با وجود این، آنها هنوز هم می‌توانند از طریق بسترهای آموزش بر خط و کمکهایی فنی، ظرفیتهایی را برای مدل‌سازی اعتباری موردانتظار ایجاد نمایند.

تجربه‌های میدانی نشان می‌دهد که در برخی موارد، کارکنان ماهر در حوزه مدل‌سازی ریسک در بخش ثبات مالی منصوب می‌شوند، اما هم‌افزایی آنها با نظارت احتیاطی همواره به‌طور کامل تحقق نیافته است. این امر ممکن است به دلایل مختلفی بستگی داشته باشد؛ برای مثال، به دلیل این‌که واحد ثبات مالی در داخل بانک مرکزی گنجانده شده است؛ در حالی که نظارت توسط مرجع دیگری اعمال می‌شود، و همکاری محدودی بین این دو گروه وجود دارد. اگر چه قلمروهای حاکمیتی وجود دارند که بخشهای ثبات مالی و نظارت احتیاطی در ارتباطی تنگاتنگ با هم کار می‌کنند، شواهدی نیز از تخصیص بیش از حد مسئولیتها وجود دارد. نهادهای ناظر بانکی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای درحال توسعه باید برای غلبه بر این رویکرد خودسرانه تلاش کنند و برای انجام وظایفی که مستلزم مهارتهای کمی‌سازی هستند (به‌عنوان مثال، ارزش‌گذاری فرایند ارزیابی و کفایت سرمایه داخلی، آزمون استرس، و ارزیابی مدلهای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹)، به بهترین شکل از منابع واجد

ریسک و رویکرد نظارتی) مشاهده می‌شود (آدرین و نارین^{۵۰}، ۲۰۱۹).

چون مدل‌های داخلی مبتنی بر داده‌های گذشته هستند، به‌طور معمول نسبت به رویکرد استاندارد، حساسیت بیشتری در زمینه ریسک دارند. هرچند مدل‌های داخلی دارای محدودیتهای ورودی و کفهای (حد پایین) خروجی برای تضمین محافظه‌کاری در متغیرها و حدود مدل در راستای منافع سرمایه نظارتی هستند، ولی هنوز هم می‌توانند نقش مهمی در هم‌ترازی چارچوب نظارتی با شیوه‌های مدیریت ریسک و بهبود تخصیص سرمایه داشته باشند. با وجود این، نشانه‌های متقابل مختلفی در اتخاذ رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی توسط بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه وجود دارد.

هر چند مدل کاهش ارزش استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی^۹ و رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی به‌نوعی مکمل هم هستند، ولی تفاوت‌های روش‌شناختی متعددی میان آن‌ها وجود دارد. برخی از این تفاوت‌ها در ادبیات موضوع عبارتند از افق زمانی احتمال نکول (یک سال در مقابل طول عمر)، شدت تفاوت محافظه‌کاری زیان ناشی از نکول (رکود اقتصادی / ناریبی) و برآوردهای نقطه‌ای در مقابل برآوردهای چرخه‌ای (هیئت ریسک سیستمی اروپا ۲۰۱۷؛ دهالستر، سالومایو-گارسیا، و لتیلییر^{۵۱} ۲۰۱۴). در حالی که استفاده از مدل‌های داخلی می‌تواند نقطه شروعی به‌منظور برآورد زیان اعتباری موردانتظار برای مقاصد حسابداری باشد، حرکت به سوی رویکردهای مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی جهت منتفع شدن از هم‌افزایی‌های آن با استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی^۹، گزینه خوبی برای نهادهای ناظر بانکی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه که هنوز منابع و ظرفیت موردنیاز برای مدل‌سازی ریسک اعتباری را ندارند، نیست. عدم قطعیت و ریسک‌ها بخش جدایی‌ناپذیر استفاده از مدل‌ها است، این عدم قطعیت به‌ویژه در مدل‌هایی که به بررسی وزن ریسک‌ها می‌پردازند بیشتر به چشم می‌خورد. به نظر ما، احتمال بروز این ریسک‌ها در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه که در آن‌ها ظرفیت نظارت برای درک مدل‌ها به‌اندازه کافی رشد نیافته باشد، تشدید می‌گردد.

۳.۲.۲. مرحله پیاده‌سازی توصیه شماره ۳:

ناظران باید انتظارات واضح، به موقع، و جامع را در چارچوب زیان اعتباری موردانتظار تنظیم کنند و از یکنواختی گسترده بین معیارهای طبقه‌بندی اعتبار و فرایند مرحله‌بندی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اطمینان یابند.

پیش از اجرایی شدن استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی^۹، باید رهنمودهایی صادر شود. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی^۹، یک استاندارد مبتنی بر اصول و قابل اجرا در تمام صنایع است، و فقط به بانکها محدود نمی‌شود. با وجود این، از آن‌جا که وام‌دهی بانکها مولد ریسک اعتباری است، کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی^۹ ممکن است به رهنمودهای دقیق‌تر از آن‌چه که مطابق استانداردهای حسابداری قابل اجرا ارائه می‌شود، نیاز داشته باشد (بادینو، اورلاندی و زامیل ۲۰۱۸). صنعت بانکداری برای کسب توانایی لازم به‌منظور برآورده نمودن انتظارات در مورد پذیرش استاندارد مذکور، باید پیش از اجرایی شدن آن استاندارد، با انتظارات نظارتی آشنا باشد. علاوه بر این، اجرای موازی زیان اعتباری موردانتظار برآورده طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی^۹ و محاسبه کاهش ارزش در چارچوب پیشین حسابداری، برای آزمون نتایج استاندارد مذکور مفید است.

مدل‌سازی زیان اعتباری موردانتظار با چالش‌های متعددی همراه است و به آزادی عمل بااهمیتی نیاز دارد؛ ناظران ممکن است در مورد تنظیم انتظارات بر متغیرهای اصلی تصمیم‌گیری کنند. ناظران برای برآورد احتمال نکول می‌توانند حداقل چارچوب زمانی داده‌های تاریخی را درخواست کنند. جایی که داده‌های محدودی وجود داشته باشد، ممکن است نهادهای ناظر بانکی، حاشیه محافظه‌کاری بیشتری را الزامی بدانند. لحاظ کردن تعهدهای خارج از ترازنامه در ذخیره‌گیری، یکی از نکته‌های اصلی تصمیم‌گیری (بندهای ب ۵۰،۳۰ و ب ۵۰،۳۱ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی^۹)، به‌ویژه در ارتباط با اطلاعات آینده‌نگر است. مبلغ و زمان‌بندی جریان وجوه نقد موردانتظار از ضبط وثیقه، زیان ناشی از نکول را زیر تاثیر قرار می‌دهد؛ تعدیل ارزش نظارتی در حالت آرمانی

باید مبتنی بر شواهد آماری معتبر مربوط به نرخهای باز یافت سرمایه باشد.

این رهنمود همچنین باید راهبری مدل زیان اعتباری موردانتظار را پوشش دهد. پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ مستلزم مشارکت سطوح مختلف سلسله‌مراتب، از جمله هیئت‌مدیره است که باید راهبری پروژه را تایید کنند، تاثیر آن را بر برنامه راهبردی بانکها بررسی نموده و بودجه کافی را به آن اختصاص دهند. این رهنمود باید بر مسئولیت هیئت‌مدیره برای نظارت بر نتایج، تصویب اولیه و پیاده‌سازی مداوم روش‌شناسی اندازه‌گیری ذخایر، اثربخشی سیستم کنترل داخلی پیرامون آن، و تایید رویه افشای اطلاعات، تاکید داشته باشد.

معیارهای طبقه‌بندی اعتباری که با اهداف احتیاطی اجرا می‌شود، به‌طور معمول نسبت به فرایند مرحله‌بندی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ جزئیات بیشتری دارد. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ سه مرحله را برای ارزیابی ابزار مالی به بهای تمام‌شده مستهلک‌شده یا به ارزش منصفانه از طریق سایر اقلام سودوزیان جامع در نظر می‌گیرد: (الف) آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری بدون در نظر گرفتن افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری از زمان شناخت اولیه (مرحله ۱)؛ (ب) آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری با در نظر گرفتن افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری اما بدون کاهش ارزش اعتباری (مرحله ۲)؛ و (پ) آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری با کاهش ارزش اعتباری (مرحله ۳). بانکها در هنگام اندازه‌گیری ذخیره زیان وام باید زیانهای اعتباری موردانتظار ۱۲ ماهه را برای مرحله ۱، و زیانهای اعتباری موردانتظار در طول عمر را برای مراحل ۲ و ۳ در نظر بگیرند (بندهای ۵۰۵، ۵۰۳ و ۵۰۵، ۵۰۵ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹). در دیدگاه احتیاطی آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری بر اساس طیف وسیعی از معیارهای کمی (تعداد روزهای دیرکرد) و کیفی مختلف طبقه‌بندی می‌شوند، که به‌طور معمول به طبقه‌بندی بزرگ‌تر وام‌گیرندگان منجر خواهد شد.

توصیه می‌شود تا از درجه بالایی از یکنواختی بین حسابداری و طبقه‌بندی احتیاطی اطمینان حاصل شود. منظور از هم‌سویی به‌الزام این نیست که معیارهای طبقه‌بندی

اعتباری احتیاطی قبلی باید کنار گذاشته شوند، بلکه هر یک از اجزا در هر یک از سه مرحله استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ باید با یکدیگر سازگاری و هماهنگی داشته باشند.

جزئیات گنجانده‌شده در دیدگاه احتیاطی، شیوه‌های مدیریت ریسک بانکها و همچنین ظرفیت مداخله زود هنگام ناظران را تقویت می‌کند؛ همزمان پیاده‌سازی یکنواخت تعاریف هماهنگ‌شده در سطح بین‌المللی برای وامهای غیر جاری (NPLs) و اعطای مهلت، قابلیت مقایسه کیفیت دارایی را افزایش می‌دهد. یک سیستم رتبه‌بندی وام که به‌خوبی طبقه‌بندی شده، مجموعه وسیع‌تری از اطلاعات را در اختیار بانکها قرار می‌دهد، که در طول مراحل مختلف چرخه اعتباری (پذیرش‌نویسی و تایید، نظارت، انتقال ماتریس داده‌ها، گزارشگری، و غیره) مفید است. نهادهای ناظر بانکی همچنین از این اطلاعات طبقه‌بندی‌شده در مواردی نظیر شناسایی زود هنگام روندهای نامطلوب، مقایسه موسسه‌های اعتباری، و تنظیم دقیق سناریوهای آزمون استرس، بهره می‌برند. به‌منظور اطمینان از یکنواختی در سطح بین‌المللی، مهم است که رهنمودهای کمیته نظارت بر بانکداری بازل، برای هماهنگ‌نمودن تعاریف وامهای غیر جاری و اعطای مهلت، پیاده‌سازی شوند.

فرایند مرحله‌بندی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، قابلیت مقایسه صورتهای مالی را ارتقا می‌دهد. فعالان بازار نه تنها به اطلاعات در خصوص مبلغ داراییهای غیر جاری یا داراییهای کاهش ارزش یافته علاقه‌مند هستند، به افشای آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری که احتمال انتقال آنها به وضعیت غیر جاری بیشتر است نیز علاقه دارند. برای وامهایی که دارای افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری هستند، نکول احتمال بیشتری نسبت به شناسایی اولیه دارد. نهادهای ناظر بانکی و سرمایه‌گذاران می‌خواهند فرضها و روشهای برآورد مورد استفاده بانکها را بشناسند تا از تغییرات احتمالی ریسک اعتباری ابزار مالی آگاه شوند. برای این منظور، شاخصهایی در استاندارد مذکور (بند ب ۱۷، ۵۰۵ استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹) در نظر گرفته شده است. سرمایه‌گذاران همچنین می‌خواهند بدانند اطلاعات مورد استفاده در تعیین زیان اعتباری موردانتظار، چقدر آینده‌نگرانه هستند.

آسیب‌پذیریهای سررسید گذشته نگهداری می‌کند (به کادر ۸ مراجعه کنید). با وجود این، تطبیق چارچوب حسابداری با استانداردهای احتیاطی دشوارتر از قبل است (آسیب‌پذیریهای مرحله ۲، ذخیره‌گیری عمومی اضافه شده به سرمایه لایه ۲).

کادر ۸- برزیل: معیارهای طبقه‌بندی اعتباری و استاندارد

بین‌المللی گزارشگری مالی ۹

طبق مقررات شماره 2,682 n° بانک مرکزی برزیل، عملیات وامها و اجاره‌ها باید طبق سطح ریسک در یکی از دسته‌های تشریح‌شده در جدول ۲ طبقه‌بندی شوند. همچنین، بانکها باید بر اساس تعداد روزهای سررسید گذشته همراه با ویژگیهای معین وام‌گیرنده، شامل وضعیت مالی آن و فعالیت اقتصادی؛ وثیقه‌های گرو گذاشته‌شده؛ اهرم مالی؛ توانایی تولید نتایج اقتصادی؛ جریان‌های نقدی؛ کیفیت مدیریت؛ به‌موقع بودن پرداختها؛ رویدادهای احتمالی؛ حدود اعتباری؛ و ماهیت عملیات، زیان اعتباری موردانتظار در طول عمر را در نظر بگیرند. برای پرداختهای سررسید گذشته، بانکها باید طبقه ریسک را ماهانه ارزیابی کنند؛ برای سایر انواع ارزشیابیها، باید هر شش ماه یا سالانه صورت گیرد.

ناظر، فقط با اهداف آگاهی‌بخشی، می‌تواند این دسته‌های طبقه‌بندی احتیاطی را پس از پیاده‌سازی کامل استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، برای صورتهای مالی جداگانه

در حالی که تعداد اندکی از قلمروهای حاکمیتی همسویی کامل بین استانداردهای احتیاطی و حسابداری را انتخاب کردند، برخی دیگر قواعد طبقه‌بندی احتیاطی از قبل موجود را حفظ کردند. به‌عنوان مثال، ما مقررات تایلند را تحلیل کردیم و دریافتیم که آن‌ها همسویی کامل بین استانداردهای احتیاطی و حسابداری را انتخاب کرده‌اند؛ یعنی حرکت از پنج دسته ریسک از قبل موجود (شامل قبول‌شده، اشاره ویژه، غیراستاندارد، مشکوک به زیان، و زیان) به سه دسته (جاری، با عملکرد ضعیف، غیرجاری)، که تکرار همان مرحله‌بندی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ نیز می‌باشد (به کادر ۹ مراجعه کنید). این رویکرد، اختلافهای احتمالی بین دیدگاه‌های احتیاطی و حسابداری را کاهش می‌دهد. با وجود این، با توجه به این‌که ممکن است مرحله ۲ شامل آسیب‌پذیریها از ریسک اعتباری با ریسکهای ذاتی متفاوت ناشی از عملکرد ضعیف باشد (تعداد روزهای سررسید گذشته بین ۳۱ تا ۹۰ روز، ممکن است متغیر باشد)، همچنین ممکن است منجر به از دست دادن اطلاعات مربوط به دوره گذشته شود. ما همچنین مقررات کشور برزیل را تحلیل کردیم، که به‌طور کامل در تضاد با مقررات تایلند است: برزیل به‌احتمال نظام طبقه‌بندی ریسک اعتباری خود که متشکل از نه دسته (از AA تا H) است را برای مقاصد آگاهی‌بخشی حفظ می‌کند؛ در نتیجه، بانک مرکزی برزیل اطلاعات دقیق‌تری را درباره

جدول ۲- طبقه‌های ریسک بانک مرکزی

طبقه ریسک	حداقل زیان اعتباری موردانتظار هیچ	روزهای سررسید گذشته
AA	> ۰.۵٪	هیچ
A	> ۱.۰٪	هیچ
B	> ۳.۰٪	۱۵-۳۰
C	> ۱۰.۰٪	۳۱-۶۰
D	> ۳۰.۰٪	۶۱-۹۰
E	> ۵۰.۰٪	۹۱-۱۲۰
F	> ۷۰.۰٪	۱۲۱-۱۵۰
G	> ۱۰۰.۰٪	۱۵۱-۱۸۰
H	> ۱۰۰.۰٪	> ۱۸۰

استانداردهای گزارشگری مالی را الزامی می‌کند. بنابراین، بانک مرکزی تايلند از شش دسته اعتباری به سه دسته جابه‌جا شد، و از مرحله‌بندی استاندارد گزارشگری مالی تايلند ۹ نسخه‌برداری کرد.

این مقررات معیارهایی را برای طبقه‌بندی در هر کدام از این سه مرحله ارائه می‌دهد. معیارهای طبقه‌بندی مرحله ۳ شامل معیار ۹۰ روز سررسید گذشته، همچنین عدم احتمال پرداخت است. برای مرحله ۲، آسیب‌پذیری در برابر ریسک بیش از ۳۰ روز پس از گذشت سررسید به‌طور خودکار آن را بدون وجود برگشت در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، واجد شرایط آن مرحله می‌کند. این مقررات همچنین به بانک مرکزی تايلند اجازه می‌دهد تا طبقه‌بندی آسیب‌پذیرها را در مرحله ۲ یا مرحله ۳ مرتب کند. طبق استاندارد گزارشگری مالی تايلند ۹ و استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، هر واحد تجاری ملزم به ثبت درآمد بهره بر داراییهای غیرجاری است، و هر دو استاندارد تايلند و بین‌المللی واحد تجاری را ملزم می‌کنند که ذخیره‌ای در مقابل بهره تحقق‌یافته کنار بگذارد.

توصیه شماره ۴:

نهادهای ناظر بانکی باید پشته‌های احتیاطی را در زمینه ذخیره‌گیری در نظر بگیرند.

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، قضاوت مدیریت را تشدید می‌کند و ممکن است در هنگام برخورد با انتخابهای مربوط به مدل باعث برخی قضاوت‌های غیرضروری گردد. ناظران در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه برای حفظ پوشش کافی وام‌های غیرجاری، می‌توانند پشته‌های احتیاطی را اجرا کنند. تعریف زیان اعتباری موردانتظار و روش‌شناسی تجویز شده برای محاسبه آن، هم اختیارات و هم عدم قطعیت را در مدل‌سازی پیش‌بینی افزایش می‌دهد. این امر باعث می‌شود که نتیجه ذخیره‌گیری دستخوش تغییرات بیشتری گردد، که آن‌هم به‌نوبه خود می‌تواند قابلیت مقایسه، کفایت سرمایه گزارش شده را در بین قلمروهای حاکمیتی، تضعیف کند (کوهلو، رستوی و زامیل^{۵۴} ۲۰۲۰).

ابزار متعددی وجود دارند که از وجود یک سطح حداقلی

بانکها نیز نگهداری کند. ایده‌ای که وجود دارد این است که زیان اعتباری موردانتظار با استفاده از روش‌شناسی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ محاسبه شود و، پس از آن، طبق سطح زیان اعتباری موردانتظار آن، در طبقه درست قرار گیرد. در حالی که این روش می‌تواند اطلاعات دقیق‌تری در مورد روزه‌های سررسید گذشته فراهم آورد، اما انطباق با مرحله‌بندی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را چالش‌برانگیزتر خواهد کرد (به‌عنوان مثال، شناسایی روشن افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری).

حدود پایین ذخیره‌گیری براساس روش‌شناسی آماری تنظیم شده است. این ذخایر به‌عنوان پشته‌های احتیاطی نگهداری خواهند شد. این حقیقت که ذخایر در قوانین ثانویه (مقررات) ارائه شده‌اند، باعث می‌شود که تعدیل آن‌ها از سوی ناظر در صورت نیاز آسان‌تر باشد.

کادر ۹- تايلند: معیارهای طبقه‌بندی اعتباری و مرحله‌بندی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹

بانک مرکزی تايلند اطلاعیه FPG 23/2561: مقررات مربوط به طبقه‌بندی دارایی و ذخیره‌گیری موسسه‌های مالی را صادر نمود. این مقررات جایگزین مقررات موجود بانک مرکزی تايلند پیرامون ذخیره‌گیری زیان وام شد، که الزامهای ذخیره‌گیری محافظه‌کارانه‌تری را در مقایسه با استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹، تعیین کرده است. هدف از این مقررات حصول اطمینان از برخورداری موسسه‌های مالی از ذخایر کافی برای زیانهای ناشی از داراییهای آن‌ها، به‌ویژه وام‌ها است که داراییهای اصلی موسسه‌های مالی به‌شمار می‌آیند. این مقررات موسسه‌های مالی را ملزم می‌سازد که داراییهای مالی و تعهدهای خود را در سه مرحله طبقه‌بندی کنند: (الف) داراییهای مالی و تعهدهایی که از نظر اعتباری کاهش ارزش داشته‌اند (غیرجاری)؛ (ب) داراییهای مالی و تعهدهایی که افزایش قابل ملاحظه‌ای در ریسک اعتباری دارند (عملکرد ضعیف (موقه))؛ و (پ) داراییهای مالی و تعهداتی که هیچ افزایش قابل ملاحظه‌ای در ریسک اعتباری ندارند (جاری). این مقررات همچنین کنارگذاشتن ذخایر برای زیانهای اعتباری موردانتظار و حذف داراییها طبق

از ذخیره‌گیری احتیاطی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، اطمینان می‌دهد. به‌عنوان مثال، بانکها مطابق با رویکردهای مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی بازل، کل ذخایر واجد شرایط را با معیار نظارتی زیانهای موردانتظار مقایسه می‌کنند و هرگونه کسری آن را بدون در نظر گرفتن آثار مالیاتی، از سرمایه عادی لایه ۱ به‌طور کامل کسر می‌کنند (در عوض، هر مقدار مازادی حداکثر به‌میزان ۰.۶ درصد از داراییهای موزون شده نسبت به ریسک اعتباری (RWAs) ^{۵۵} به سرمایه لایه ۲ اضافه می‌شود). علاوه بر این، مقررات ۲۰۱۹/۶۳۰ در اتحادیه اروپا، یک پوشش حداقلی زیان را برای آسیب‌پذیریهای غیرجاری ایجادشده پس از آوریل ۲۰۱۹ معرفی کرد؛ اگر سطح این پوشش کمتر از مقدار حداقلی در نظر گرفته شده باشد، به همان میزانی که کم باشد از سرمایه عادی لایه ۱ کسر می‌شود. علاوه بر این، **مرجع پولی سنگاپور (MAS)** ^{۵۶} همه بانکهای مهم داخلی که از نظر سیستمی به‌صورت محلی ثبت شده‌اند را ملزم می‌کند که سطح حداقل ذخیره زیان نظارتی به‌میزان ۱ درصد از آسیب‌پذیریهای کاهش ارزش یافته غیراعتباری (یعنی، آسیب‌پذیریهای مرحله ۱ و ۲)، خالص از وثایق را حفظ کنند. این کار از طریق تخصیص سود انباشته به یک حساب ذخیره نظارتی جداگانه غیرقابل توزیع، انجام می‌شود.

آن دسته از بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه که از قبل دارای حداقل سطوح ذخیره‌گیری هستند ممکن است به حفظ آن‌ها فکر کنند. کمیته بازل (۲۰۱۷ الف) مانع از انجام چنین اقدامهای نظارتی نمی‌شود، مشروط به آن‌که توسط یک قلمروی حاکمیتی، مناسب تشخیص داده شود. ذخایر زیان وام برای اهداف نظارتی حتی می‌تواند بیش از مقدار خود وام باشد که باید با آن مطابق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ رفتار نمود. حدود پایین ذخیره‌گیری را می‌توان به‌طور مستقیم توسط قانون یا توسط ناظر تعیین کرد. در صورتی که توسط قانون تعیین شوند، ممکن است تنظیم آن‌ها زمان بیشتری طول بکشد؛ و در صورتی که توسط ناظر تعیین شود، به‌ویژه زمانی که استقلال این ناظران محدود است، این ریسک وجود دارد که عمل نهادهای ناظر بانکی می‌تواند زیر تاثیر

مداخله‌های سیاسی یا صنعتی قرار بگیرد. حفظ طبقه‌های موجود می‌تواند ریسک مرتبط با پذیرش مدل‌های پیچیده زیان اعتباری موردانتظار را کاهش دهد (رستوی و زمیل، ۲۰۱۷). از طرف دیگر، همان‌طور که تجربه تایلد نشان می‌دهد، هنگام حرکت به سوی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، کشورها می‌توانند معرفی طبقات جدیدی برای داراییهای مالی مرحله ۱ و ۲ را در نظر بگیرند (به کادر ۱۰ مراجعه کنید).

۳.۲.۳. مرحله نظارت

توصیه شماره ۵:

نهادهای ناظر بانکی باید بین انعطاف‌پذیری و نظارت بر معیارهای ورود و خروج به و از مراحل ۲ و ۳ تعادل ایجاد کنند.

پس از شیوع کووید-۱۹، بسیاری از قلمروهای حاکمیتی اقدامهای مختلفی را برای تسهیل تجدیدساختار وام اتخاذ کرده‌اند. طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ (بند ۵.۵.۱۲)، چنانچه جریانهای نقدی قراردادی یک دارایی مالی مورد مذاکره مورد تجدیدنظر یا اصلاح قرار بگیرد و دارایی مالی فوق قطع شناخت نشده باشد، در این صورت، واحد تجاری باید از طریق مقایسه (الف) ریسک نکول در تاریخ گزارشگری (براساس شرایط قراردادی اصلاح شده) و (ب) ریسک نکول در زمان شناسایی اولیه (بر اساس شرایط قراردادی اصلی، و اصلاح نشده) ارزیابی کند که آیا افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری وجود داشته است یا خیر.

هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (۲۰۲۰) توضیح داده است که تمدید مهلت پرداخت برای همه طبقه‌های ابزار مالی وام‌گیرندگان نباید به شکل خودکار منجر به این تصور شود که همه آن ابزار تحت بررسی از افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری، آسیب دیده‌اند. اقدامهای معافیت وام‌گیرنده می‌تواند اشکال مختلفی از تجدیدساختار، نظیر تعلیق، تمدید مهلت پرداخت، و غیره داشته باشد (مرکز مشاوره بخش مالی بانک جهانی ۲۰۲۰). در بسیاری موارد، تجدیدساختار عاقلانه و محتاطانه، همراه با الزامهای افزایشی که نظم بازار را تضمین می‌کند، ممکن است به شکل موثری از وام‌گیرندگانی که به‌طور موقت ناتوان در پرداخت هستند، حمایت کند (مرکز مشاوره

انجام به موقع یک پرداخت پس از اصلاح شرایط قراردادی پاک نمی شود (استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹، بند ۵۰۵، ۲۷).

توصیه می کنیم معیارهای حذف به موقع را لحاظ کنید تا از این طریق بتوان ریسک نگهداری بلندمدت وامهای غیرجاری در ترازنامه را کاهش داد و از تحریف نسبت پوششی جلوگیری نمود. استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹، دوره زمانی را که پس از آن باید ابزار مالی کاهش ارزش یافته حذف شود، تعیین نمی کند. با وجود این، زمانی که انتظار معقولی برای بازیابی کل یا بخشی از دارایی مالی وجود نداشته باشد، استاندارد فوق واحد تجاری را ملزم می کند که به طور مستقیم مبلغ دفتری ناخالص دارایی مالی را کاهش دهد (بند ۴۰۵، ۹). به علاوه، استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۷ افشای معیارهای حذف را الزامی می کند. اگرچه هیچ استاندارد احتیاطی هماهنگ شده ای در مورد حذف وجود ندارد، اما تحقیقها بر مزیت حذفهای به موقع وامهای غیرقابل وصول تاکید می کند (گاستون و سانگ^{۵۸} ۲۰۱۴)، و حذفهای به موقع وامهای غیرقابل بازیافت به تمرکز نظارتی کلیدی در قلمروهای حاکمیتی خاص تبدیل شده است (بانک مرکزی اروپا ۲۰۱۷ الف).

کمیته نظارت بر بانکداری بازل (۲۰۱۵) فقط توصیه دارد که (الف) روش شناسی قوی و مناسب ارزیابی ریسک اعتباری و اندازه گیری سطح ذخایر به طور کلی خط مشیها و رویه های بانک را پیرامون حذفها و بازیابیها ترسیم کنند (اصل ۲) و (ب) ناظران باید راضی باشند که بانک از سیاستها و شیوه های منطبق با اصول اندازه گیری زیان اعتباری مورد انتظار، شامل شناسایی وامهای غیرقابل وصول در دوره مناسب از طریق اندازه گیری ذخایر یا حذفها (اصل ۱۰) پیروی می کند.

کادر ۱۰- تایلند: الزامهای ذخیره گیری و پشتوانه های احتیاطی

اطلاعیه FPG 23/2561 بانک مرکزی تایلند: مقررات مربوط به طبقه بندی دارایی و ذخیره گیری برای موسسه های مالی، برگشت ذخایر مازاد احتمالی ناشی از گذار به استاندارد

بخش مالی بانک جهانی^{۵۷} ۲۰۲۰). با وجود این، در سایر شرایط، تجدیدساختار بر خالص ارزش فعلی آسیب پذیری تاثیر می گذارد، به ویژه برای وام گیرندگانی که بعید است بتوانند اعتبارشان را احیا کنند. بانکها و وام گیرندگان همچنین ممکن است زیر فشار اشخاص وابسته، از این اقدامهای سوءاستفاده کنند.

نهادهای ناظر بانکی باید به شدت بر برگشتها از مرحله ۲ به مرحله ۱ نظارت کنند، که نظارت فوق باید بر اساس سابقه عملکرد پرداخت به روز و به موقع و نه بر اساس شرایط قراردادی اصلاح شده باشد. چنانچه جریانهای نقدی قراردادی بر یک دارایی مالی مورد مذاکره مجدد قرار گیرد یا به نحو دیگری اصلاح شود، اما دارایی مالی فوق قطع شناخت نشده باشد، آن دارایی مالی به شکل خودکار دارای ریسک اعتباری پایین در نظر گرفته نمی شود (استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹، بند ۵۰۵، ۲۷). بانک باید بر اساس تمام اطلاعات معقول و قابل پشتیبانی که بدون هزینه یا تلاش غیرضروری در دسترس است، ارزیابی کند که آیا از زمان شناخت اولیه افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری وجود داشته است یا خیر. این مرحله شامل اطلاعات تاریخی و آینده نگر و همچنین ارزیابی ریسک اعتباری طی عمر مورد انتظار دارایی مالی فوق است، که شامل اطلاعات در مورد شرایطی است که منجر به اصلاح شده است.

استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹، دوره آزمایشی را مشخص نمی کند، اما ما محافظه کاری و رعایت استانداردهای احتیاطی را پیشنهاد می کنیم. برای آن که بتوان از وضعیت موقت/ تجدیدساختار شده خارج شد، رهنمودهای بین المللی مستلزم یک دوره آزمایشی حداقل یک ساله هستند (کمیته نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۱۷ الف، بند ۴۰). طبق استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹، وام گیرنده باید قبل از این که ریسک اعتباری کاهش یابد، نسبت به پرداخت به موقع وام طی دوره مذکور عمل کند. با توجه به این که ماهیت استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ مبتنی بر اصول است، لذا استاندارد فوق دوره مذکور را تعیین نمی کند؛ با وجود این، سابقه عدم پرداختها یا پرداختهای ناقص ادوار گذشته فقط با

از ذخایر واجد شرایط هستند، و هر نوع ذخیره مازاد را می‌توان تا حداکثر ۰.۶ درصد از داراییهای موزون شده برحسب ریسک اعتباری در سرمایه لایه ۲ لحاظ نمود. منظور از مازاد این است که مجموع ذخایر واجد شرایط بیش از زیان موردانتظار نظارتی است.

توصیه شماره ۶:

نهادهای ناظر بانکی باید ابزارهایی برای کاهش دوره‌ای بودن در اختیار داشته باشند.

حداقل الزامهای ذخیره‌گیری که بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه در برابر وامهای کاهش ارزش نیافته لحاظ کرده‌اند، ممکن است نقش ضد چرخه‌ای ایفا کنند. با وجود این، ممکن است افراد بگویند که چنین حداقلهایی، که اغلب می‌تواند بالاتر از ذخیره‌گیری عمومی در کشورهای ثروتمند باشد، اقتصادهای پرنوسان را یاری می‌دهد.

به‌علاوه، برخی از بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه، سپرده‌های احتیاطی رسمی و به‌طور ملموس حفاظت‌شده‌ای ندارند که برای کاهش آسیب‌پذیری گسترده سیستم و به‌دقت طراحی‌شده جهت استفاده در مواقع استرس (بحرانی)، معرفی شده باشند. اگرچه استاندارد بین‌المللی گزارش‌گیری مالی ۹ برای کاهش موضوع دوره‌ای بودن که در استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ موجود است، طراحی شده، اما استاندارد فوق ممکن است پیامدهای ناخواسته‌ای در پی داشته باشد. معرفی شناسایی تدریجی زیان تحت رویکرد سه مرحله‌ای فوق می‌تواند دوره‌ای بودن را به قیمت زیانهای تخصیص‌یافته کاهش دهد (کاند و روکیلو ۲۰۲۰). این امر ممکن است به‌ویژه در ابتدای رخداد شرایط نامطلوب ناگهانی، کفایت سرمایه را تضعیف کند و منجر به شوک عرضه اعتباری شود. بنابراین باید توجه داشت که نهادهای ناظر بانکی قبل از معرفی استاندارد بین‌المللی گزارش‌گیری مالی ۹ سپرده‌های احتیاطی حفاظتی (نظیر سپرده‌های حفاظت از سرمایه، ضد چرخه‌ای، نظام‌مند) را لحاظ کنند تا، در صورت نیاز، بتوانند برای کاهش آثار دوره‌ای به‌کار روند (به کادرهای ۳ و ۱۱ مراجعه کنید).

بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه باید از

گزارش‌گیری مالی تایلند ۹ را در اولین روز اتخاذ استاندارد مذکور مجاز نمی‌شمارد. در مواردی که ذخیره طبق استاندارد گزارش‌گیری مالی تایلند ۹ کمتر از میزان ذخیره‌ای باشد که موسسه مالی تحت مقررات قبلی کنار گذاشته است، ذخیره مازاد نباید در اولین روز پیاده‌سازی استاندارد گزارش‌گیری مالی تایلند ۹ برگشت و به‌عنوان درآمد شناسایی شود. با وجود این، موسسه مالی باید این ذخیره مازاد را ظرف پنج سال به‌روش خط مستقیم یا براساس طرحهای موسسه مالی با تهاثر ذخایر مازاد در زمانی که ذخایر برای داراییهای مالی و تعهدهای در چارچوب مقررات جدید کنار گذاشته شده باشد، مستهلک نماید. در مواردی که ذخیره تحت استاندارد گزارش‌گیری مالی تایلند ۹ پس از پذیرش استاندارد اما ظرف پنج سال هنوز کمتر از ذخیره مقرر شده طبق مقررات قبلی باشد، موسسه مالی می‌تواند ذخیره مازاد را به‌تدریج برگشت و آن را به‌عنوان درآمد شناسایی نماید. ذخایر مازاد تجمیعی حدود ۱۸ درصد بود.

بانک مرکزی تایلند همچنین مقررات دیگری نیز صادر کرده است: الزامهای حداقلی درباره ذخایر برای موسسات مالی و گروه‌های تجاری مالی. این مقررات تضمین می‌کند که موسسه‌های مالی از ذخیره کافی برای پشتیبانی از رویدادهای غیرمنتظره، و بنابراین کاهش نوسانهای سرمایه به‌دلیل ذخایر چرخه‌ای طبق استاندارد گزارش‌گیری مالی تایلند ۹، برخوردار هستند. این مقررات موسسه‌های مالی را ملزم می‌کند که حداقل ۱ درصد از داراییها و اقلام خارج از ترازنامه که به‌عنوان جاری (مرحله ۱) و با عملکرد ضعیف (معوقه) (مرحله ۲) طبقه‌بندی شده‌اند را به‌عنوان ذخیره نگهداری کنند. موسسه مالی حد پایین ذخیره ۱ درصد را نگهداری می‌کند و کسری را از سرمایه جبران می‌کند (به‌جای آن که ذخیره را در سود یا زیان شناسایی کند، چنان‌که در چارچوب استاندارد گزارش‌گیری مالی تایلند ۹ روی می‌دهد).

ذخایر برای داراییها و تعهدهای در مرحله ۱ و مرحله ۲ به‌عنوان ذخایر عمومی طبقه‌بندی می‌شوند. این ذخایر ممکن است در سرمایه لایه ۲ تا حد ۱.۲۵ درصد از داراییهای موزون شده برحسب ریسک اعتباری برای بانکها با استفاده از رویکرد استانداردسازی شده لحاظ شود. برای بانکهایی که از رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی استفاده می‌کنند، این ذخایر بخشی

غیرمنتظره در نسبت‌های سرمایه شود. برخی نهادهای ناظر بانکی، در پاسخ به قرنطینه کرونایی، به‌تازگی به بانک‌هایی که طی قرنطینه از تدابیر گذار استفاده نکرده‌اند، اجازه داده تا این تدابیر را اعمال کنند (بانک مرکزی اروپا ۲۰۲۰الف).

کادر ۱۱- ایتالیا: دیدگاه‌هایی پیرامون دوره‌ای بودن استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹

بانک مرکزی ایتالیا تاکید دارد که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ می‌تواند باعث تقویت دوره‌ای بودن شوند. بانک ایتالیا درباره پیامدهای ناخواسته استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ ابراز نگرانی کرد. همچنین، همان‌طور که همه‌گیری کووید-۱۹ نیز به‌تازگی بر این موضوع صحنه گذاشت، بانک‌ها همیشه قادر نیستند بحران را پیش‌بینی کنند، و در نتیجه استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ می‌تواند در شروع بحران بسیار دوره‌ای عمل کند. طبق نظر بانک مرکزی ایتالیا، با آن‌که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ از درجه معینی از انعطاف‌پذیری برخوردار است که می‌تواند تا حدودی به اصلاح ریسک‌های دوره‌ای کمک کند، اما تجربه کووید-۱۹ موضوع نیاز به بررسی پس از پیاده‌سازی استاندارد به‌منظور تایید این‌که آیا نیاز به اصلاح است یا خیر را روشن نمود.

بانک مرکزی ایتالیا به مطالعه جدیدی از سوی هیئت ریسک سیستمی اروپا (۲۰۱۹الف)، در پشتیبانی از این ایده استناد کرد که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ ممکن است در آغاز رکود، دوره‌ای باشد، و این در صورتی است که این رکود به‌اندازه کافی از قبل پیش‌بینی نشده باشد و انتقال دارایی‌های مالی به مرحله ۲ بیش از اندازه بالا باشد. این وضعیت در شرایط وخیم اقتصادی ممکن است «آثار صخره‌ای» مشهودتری ایجاد کند (انتقال بااهمیت آسیب‌پذیرها از مرحله ۱ به مرحله ۲). در این شرایط، با ورود به رکود، زیانهای اعتباری موردانتظار به‌شدت افزایش خواهد یافت، که به‌نوبه خود، می‌تواند باعث تشدید سیر منفی چرخه کسب‌وکار شده و از دیدگاه ثبات مالی نگران‌کننده شود.

۳.۳ توصیه‌هایی برای نهادهای ناظر بانکی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه که پیش از این استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را پیاده‌سازی

سازوکارهای گذار بهره‌برند که تاثیر فوق‌بر سرمایه هموار نموده و دوره‌ای بودن را تقلیل می‌دهد. همان‌طور که کمیته بازل در سال ۲۰۱۷ عنوان کرده است، سازوکارهای گذار باید فقط در مورد ذخیره‌گیری جدید اعمال شود (ذخایری که قبل از پذیرش مدل حسابداری زیان اعتباری موردانتظار وجود ندارند) و باید نسبت سرمایه عادی لایه ۱ را تعدیل کند. قلمروهای حاکمیتی باید بین رویکرد ایستا و پویا یکی را انتخاب کنند^{۶۱}. ما معتقدیم، رویکرد پویا ممکن است مستلزم انعطاف‌پذیری بیشتری باشد، زیرا این رویکرد تکامل زیان اعتباری موردانتظار جدید را نیز در نظر می‌گیرد. دوره گذار مذکور از تاریخی شروع می‌شود که بانک حسابداری زیان اعتباری موردانتظار را اتخاذ می‌نماید و این دوره از پنج سال تجاوز نمی‌کند. قلمروهای حاکمیتی باید جزئیات سازوکارهای گذار را افشا کنند (کمیته نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۱۹الف، کمیته رویه حسابداری ۲۰۰۷).

با توجه به همه‌گیری کووید-۱۹، کمیته بازل سازوکارهای گذار را اصلاح کرده است (آوریل ۲۰۲۰). اصلاحات فوق به قلمروهای حاکمیتی اجازه می‌دهد تا (الف) سازوکارهای گذار موجود را اعمال کنند، حتی هنگامی که بانک‌ها برای اولین بار مدل زیان اعتباری موردانتظار را اتخاذ کرده باشند، سازوکارهای فوق اجرا نشده باشند، (ب) به بانک‌ها اجازه می‌دهد از رویکرد ایستا به رویکرد پویا میل کنند؛ و (پ) از روشهای جایگزین به‌منظور تعیین تفاوت تجمعی بین ذخایر تحت مدل حسابداری زیان اعتباری موردانتظار و مدل حسابداری زیان تحمل‌شده پیشین، استفاده کنند (کمیته نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۲۰). علاوه بر این، صرف‌نظر از زمانی که قلمرو حاکمیتی ابتدا شروع به اعمال سازوکارهای گذار کرده است، قلمروهای حاکمیتی طی سالهای ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ ممکن است به بانک‌ها اجازه دهند تا ۱۰۰ درصد مبلغ تعدیل انتقالی را دوباره به نسبت سرمایه سهام عادی لایه ۱ اضافه کنند؛ سپس مبلغ اضافه برگشتی باید بر مبنای خط مستقیم طی سه سال بعدی حذف شود.

سازوکارهای گذار داوطلبانه هستند، اما بانک‌ها ناچارند از آن‌ها استفاده کنند زیرا تاثیر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ می‌تواند بیشتر از حد انتظار باشد و منجر به کاهش

نموده‌اند

بیشتر توصیه‌هایی که در این بخش مورد بحث قرار گرفتند، ممکن است در کشورهایی که پیش از این استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را پیاده‌سازی نموده‌اند نیز قابل اجرا باشد. مقامها ممکن است ضرورت ارائه تجدیدنظر در این استاندارد، به‌عنوان نمونه، جهت کاربرد مناسب قواعد حسابداری، بیان شفاف انتظارهای نظارتی، یا استفاده از پشتوانه‌های احتیاطی را بررسی کنند.

توصیه شماره ۷:

ناظران باید بر میزان اتکای بانکها به ارائه‌دهندگان (تامین‌کنندگان) ثالث نظارت کنند.

برای تحقق الزامهای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، طیف گسترده‌ای از برون‌سپاریهای درون و برون‌گروهی توسط بانکها در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه را ذکر کردیم. عمده بانکهای محلی، مشاورانی را به‌منظور ایجاد مدل‌های زیان اعتباری موردانتظار استخدام کردند (به کادر ۱۲ مراجعه کنید). شرکت‌های تابعه بانکهای فعال در سطح بین‌المللی، از سازوکارهای متمرکز شرکت‌های اصلی (مدیریت ریسک، فناوری اطلاعات، بودجه‌ریزی، و غیره) بهره‌مند می‌شدند.

برون‌سپاری می‌تواند منجر به کاهش هزینه و انتقال مهارتها شود. با وجود این، برون‌سپاری می‌تواند باعث شود که بانکها نتوانند مناسب‌بودن اقدامهایشان در زمینه مدیریت ریسک و پیروی از مقررات قابل اجرا را به نهادهای تنظیم‌کننده (مقررات‌گذار) اثبات نمایند. خرید مدل زیان اعتباری موردانتظار از تامین‌کنندگان برون‌سازمانی، بدون درک همه‌جانبه محرک‌های کلیدی، به بانکهای محلی توصیه نمی‌شود. به‌طور مشابه، پیاده‌سازی مکانیکی (چشم‌پسته) مدل‌های زیان اعتباری موردانتظار بومی‌سازی نشده توسط بانکهای تحت مالکیت خارجی، ممکن است پیامدهای احتمالی نامطلوبی داشته باشد (به‌عنوان مثال، استفاده از اطلاعات آینده‌نگرانه مستخرج از کشورهای با درآمد بالا، که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی آنها به‌طور معمول کمتر از نرخ پیش‌بینی شده در بازارهای نوظهور است، ممکن است منجر به مدل‌های نامناسب زیان اعتباری موردانتظار شده، و آثار

مخرب دوره‌ای به‌وجود بیاورد). مهم است اطمینان حاصل شود که بانکهای تحت مالکیت خارجی می‌توانند قضاوت اعتباری خود را اعمال کنند.

ناظران در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه، باید بانکها را ملزم به داشتن بینشی مناسب در زمینه مدیریت ریسک و بخش‌های مالی موجود در مدل زیان اعتباری موردانتظار، راهبری سخت‌گیرانه، و طراحی فرایندهای کنترلی داخلی به‌منظور ارزیابی تامین‌کنندگان برون‌سازمانی، کنند. مقامها باید تایید کنند که مدل‌های زیان اعتباری موردانتظار، مدل کسب‌وکار و مشخصات ریسک موسسه را منعکس نموده و به‌خوبی توسط بانک درک می‌شوند. نهادهای ناظر بانکی، باید بر نقش هیئت‌مدیره بانکها تمرکز کنند، تا مدیریت ارشد متعهد به توسعه و حفظ روش‌شناسی صحیح زیان اعتباری موردانتظار شوند؛ که این موضوع، باید به‌شکل جامع مستند و توسط نهادهای مستقل اعتبارسنجی شود (کمیتة نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۱۵ پ).

ناظر باید قانع شود که روش‌های به‌کارگرفته شده توسط بانکها به‌منظور تعیین ذخایر حسابداری منجر به اندازه‌گیری مناسب زیان اعتباری موردانتظار می‌شود. به‌همین منظور، نهادهای ناظر بانکی می‌توانند خروجیهای مدل‌ها را با یکدیگر مقایسه نموده، تا درک کنند که آیا تفاوتها در سطح ذخیره‌گیری، به‌دلیل تفاوت در میزان ریسک سبدهای سرمایه‌گذاری مختلف بوده یا، از سوی دیگر، به‌دلیل انتخاب مدل‌های نامناسب است.

کادر ۱۲- رواندا: تامین‌کنندگان برون‌سازمانی

بانک مرکزی رواندا (NBR)^{۶۲} بر این نکته جالب تاکید دارد که بانکها بیش از حد به تامین‌کنندگان برون‌سازمانی متکی هستند. شش بانک از شانزده بانک بررسی شده، برای ایجاد مدل زیان اعتباری موردانتظار مشاور یکسانی را استخدام کرده بودند. به‌طورکلی، خرید مدل‌ها از تامین‌کنندگان برون‌سازمانی بدون آگاهی کامل از محرک‌های کلیدی ذخیره‌گیری (احتمال نکول، زیان ناشی از نکول، مانده در معرض نکول^{۶۳})، یک ریسک بااهمیت است. مقررات بانک مرکزی رواندا در زمینه برون‌سپاری (قانون شماره ۲۰۱۸/۳) به‌وضوح بیان می‌کند که هیئت‌مدیره و مدیریت ارشد مسئول اصلی «عملیات

حسابرسی است. برای چندین دهه در مورد استقلال حسابرس بحث شده است. ارائه همزمان خدمات مشاوره توسط موسسه‌های حسابرسی در زمینه پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، به‌ویژه برای بانکهایی که در چارچوب رویکرد استاندارد ریسک اعتباری فعالیت می‌کنند، ممکن است منجر به سوگیری و تضاد منافع گردد. اصول اساسی بازل در زمینه نظارت موثر بانکی به موضوع چرخش حسابرسان مستقل (اعم از موسسه یا افراد درون موسسه) در هر زمان توجه دارد. اجرای سیاست چرخش حسابرس در سیستمهای مالی کوچک‌تر به دلیل محدودیت تعداد بانکها و تمرکز حسابرس ممکن است دشوار باشد.

خدمات مشاوره‌ای توسط موسسه حسابرسی (یا شبکه‌ای از موسسه‌های حسابرسی) به مشتریان حسابرسی ممکن است بر درک یک شخص ثالث از استقلال حسابرس مستقل تاثیر بگذارد (کمیته نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۱۴). برخی از قلمروهای حاکمیتی مانند اتحادیه اروپا، محدودیتهایی را برای خدمات غیرحسابرسی وضع و برای میزان حق الزحمه کارهای مشاوره‌ای که موسسه‌های حسابداری می‌توانند از مشتریان حسابرسی کسب کنند، محدودیتهایی را تعیین می‌کنند (سقف حق الزحمه). برخی موانع و محدودیتهای بر «واحدهای تجاری با منافع عمومی»، که شامل شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس، بانکها، و شرکتهای بیمه است، اعمال می‌شود. در طول جلسه‌های دوجانبه، مواردی را شناسایی نمودیم که نهاد ناظر، بانکها را ملزم کرده بود یک بررسی برون‌سازمانی روی پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ توسط موسسه حسابداری که به‌عنوان مشاور عمل می‌کند (به‌عنوان مثال، رواندا)، انجام دهند یا استفاده از حسابرسیهای مشترک پیشنهاد شده بود (به‌عنوان مثال، آفریقای جنوبی، به کادر ۱۳ مراجعه کنید)، (گروپ^{۶۴} ۲۰۱۷). همان‌طور که می‌دانیم، برخی از مهم‌ترین موسسه‌های حسابداری، ارائه خدمات مشاوره به مشتریان بزرگ حسابرسی را متوقف کرده‌اند (جونز^{۶۵} ۲۰۱۹). برخی گزینه‌های دیگر برای تقویت استقلال می‌تواند شامل (الف) ارتقای سازوکارهای راهبری موسسه‌های حسابرسی (مانند افشا و شفافیت بیشتر در زمینه حق الزحمه‌های غیرحسابرسی و طولانی‌تر کردن دوره‌های رفع اختلاف

برون‌سپاری» و مدیریت ریسکهای مرتبط با چنین روابط برون‌سپاری هستند، علاوه بر این، در موردی که توسط بانک مرکزی رواندا توضیح داده شد، اتکای تعداد زیادی از بانکهای رواندا به یک ارائه‌دهنده مشخص، چالشهای متعددی برای آنها در زمینه ریسک تمرکز و تضاد منافع احتمالی ایجاد کرده است.

بانک مرکزی رواندا با آگاهی از این ریسکها، بانکهای مربوط را ملزم کرد که یک بررسی برون‌سازمانی از کار انجام شده توسط مشاور انجام دهند. مدلها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که ویژگیهای ریسک موسسه را منعکس نموده و باید به‌خوبی توسط خود موسسه درک شوند. عدم‌سفارشی‌سازی و راهبری ضعیف در زمینه مدل‌های زیان اعتباری موردانتظار منجر به نواقصی شد که بانک مرکزی رواندا ملزم به رفع آنها بود.

توصیه شماره ۸:

نهادهای ناظر بانکی باید بدانند که از حسابرسان مستقل چه انتظاری داشته باشند.

کیفیت حرفه حسابرسی مستقل یکی از پیش‌شرطهای ضروری برای پیاده‌سازی موثر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ (و هر استاندارد حسابداری دیگر) است. استانداردهای بین‌المللی بر نقش حیاتی حسابرسان مستقل در فرایند ذخیره‌گیری زیان وام تاکید دارند. به‌عنوان مثال، اصول اساسی کمیته نظارت بر بانکداری بازل برای نظارت موثر بانکی (۲۰۱۲) مستلزم آن است که رهنمودهای نظارتی یا استانداردهای حسابرسی محلی تعیین کنند که حسابرسیها حوزه‌هایی نظیر پرتفوی وام، ذخایر زیان وام، و داراییهای غیرجاری را پوشش می‌دهد (کمیته نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۱۲، اصل اساسی شماره ۲۷). علاوه بر این، کمیته بازل (کمیته نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۱۴) بر اهمیت وجود مجاری ارتباطی موثر بین ناظر و حسابرسان مستقل تاکید می‌کند و برخی انتظارات از حسابرسان مستقل از جمله در زمینه دانش، صلاحیت، بی‌طرفی، استقلال، تردید حرفه‌ای، و کنترل کیفیت را تعیین می‌کند (کمیته نظارت بر بانکداری بازل ۲۰۱۴).

بی‌طرفی و استقلال پیش‌شرطهای لازم برای کیفیت

برای کارکنان ارشد زمانی که در استخدام شرکت‌های صاحبکار (مشتریان) حسابرسی هستند) و (ب) اعمال نفوذ در نقش کمیته حسابرسی در زمینه نظارت و ارزیابی استقلال حسابرس مستقل، باشد.

حسابرسان مستقل باید با به‌چالش کشیدن مفروضات مدیریت، تردید حرفه‌ای مناسبی را اعمال کنند. استفاده از قضاوت مدیریت خبره نه تنها جزء ضروری برآورد ذخیره زیان وام است، بلکه نشانگر ریسک بالقوه جدی تری در زمینه تحریف است؛ زیرا این قضاوت شامل طیف گسترده‌ای از عدم قطعیت اندازه‌گیری است. کمی کردن زیان اعتباری طبق استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، با در نظر گرفتن سطح عدم قطعیت ذاتی در برآورد «کسری جریان نقدی»، همچنین متغیرهای کلان اقتصادی مورد نیاز (نظیر تولید ناخالص داخلی، بیکاری، و غیره) برای انعکاس اطلاعات آینده‌نگر، نه تنها فقط ذهنی نیست، بلکه پیچیده هم است.

اگرچه تعیین دامنه و رویه‌های حسابرسی برعهده حسابرس است، ولی کمیته جهانی سیاست عمومی^{۶۶} (GPPC، 2016 و 2017)، رهنمودهایی برای پیاده‌سازی صحیح استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ ارائه نموده است. برخی از حوزه‌های بالقوه بررسی که باید با توافق با بانکها انجام شوند عبارتند از: (الف) به‌چالش کشیدن فرایند مرحله‌بندی (به‌طور معمول، محرکهای افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری)؛ (ب) آزمون روزهای سررسید شده و، در برخی نمونه‌های وامها، محاسبه مجدد آنها؛ (پ) بررسی کامل بودن، صحت، و قابلیت اتکای اطلاعات تاریخی؛ (ت) سنجش سیاستها و راهبری بانکها بر طراحی، ساخت، و اعتبارسنجی مدل‌های زیان اعتباری مورد انتظار (به‌عنوان مثال، تعداد، انتخاب و وزن دهی احتمالی سناریوهای اقتصادی آینده‌نگر)؛ و (ث) ارزیابی مناسب بودن تنظیمها و هم‌پوشانیهای مدل، و استانداردهای تحلیل حساسیت، راستی‌آزمایی براساس داده‌های گذشته، و اعتبارسنجی.

کادر ۱۳- آفریقای جنوبی: نقش حسابرسان مستقل

در طی فرایند پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی

۹، نهاد ناظر (PA)^{۶۷} در بانک مرکزی آفریقای جنوبی (SARB) با تمام موسسه‌های حسابرسی که حسابرسی بانکها را انجام می‌دادند، ملاقات کرد. هدف نهاد مذکور از این ملاقاتها، تشریح انتظارات خود، درک چالشهای پیش‌روی موسسه‌ها، اطمینان از آمادگی آنها برای حسابرسی بانکها و بررسی نحوه کاربرد استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ توسط بانکها، و تشویق آنها برای ایجاد یک «دیدگاه شرکتی» در مورد سناریوهای کلان اقتصادی بود که ممکن بود بانکها در مدل‌های زیان اعتباری مورد انتظار خود استفاده کنند. دیدگاه شرکتی به توسعه‌یافتگی داخلی موسسه‌های حسابرسی، تعیین مستقل عوامل اقتصاد کلان و سایر عوامل آینده‌نگر مرتبط مورد استفاده در محاسبه زیان اعتباری مورد انتظار اشاره دارد. انتظار می‌رفت که این نگاه یک نگاه از جانب کل موسسه، بر سراسر عملیات آفریقای جنوبی باشد، تا بتواند کاربرد مداوم چشم‌انداز اقتصاد کلان را بر کارهای حسابرسی موسسه تسهیل نماید. نهاد ناظر با هیئت نظارتی مستقل حسابرسان (IRBA)^{۶۸} نیز در ارتباط بود تا تهیه و اعلام یک هشدار روش حسابرسی به کارکنان را در زمینه پیامدهای حسابرسی زیان اعتباری مورد انتظار، تسهیل نماید.

نهاد ناظر به‌منظور رسیدگی به نگرانیهای مربوط به ظرفیت کارکنان، تا حد زیادی به کار حسابرسان مستقل متکی است. بر اساس مقررات (۴۶(۴)، حسابرس مستقل باید ظرف ۱۲۰ روز از پایان سال مالی گزارشگری بانک، هرگونه نقاط ضعف عمده در سیستم کنترل‌های داخلی که طی مراحل حسابرسی الزامی در زمینه‌های سیاستها، شیوه‌ها، و رویه‌های بانک متوجه می‌شود را به نهاد ناظر گزارش دهد. رویه‌های بانکی پیش‌گفته با مواردی نظیر الف) اعطای وامها؛ ب) انجام سرمایه‌گذاریها؛ پ) مدیریت مستمر مجموعه‌های (سیدهای) وام و سرمایه‌گذاری؛ و ت) کاهش ارزشهای اعتباری مربوط یا کمبود ذخایر زیان وام مرتبط است. مقررات ۴۶(ب) حسابرس مستقل را ملزم می‌کند که گزارش دهد آیا اطلاعات مندرج در اظهارنامه‌های نظارتی ارسال شده به آنها مطابق با بخشنامه‌ها و دستورعمل‌های موجود در قوانین و مقررات بانکها آماده شده است یا خیر. این مورد ممکن است

شامل این باشد که آیا طبقه‌بندی دارایی به‌درستی گزارش شده است یا خیر.

بنابراین نهاد ناظر به گزارشهای سالانه مطابق با مقررات شماره ۴۶ متکی است. طی جلسه‌های سه‌جانبه سالانه بین نهاد ناظر، کمیته حسابرسی بانکها (شامل حسابرسی داخلی)، و حسابرسان مستقل، درباره گزارشهای مقررات شماره ۴۶، شامل اقدامهای اصلاحی مناسب که باید برای رفع نقاط ضعف کنترل داخلی شناسایی شده توسط حسابرسان مستقل اجرا شده یا باید اجرا شوند، نیز بحث شد.

تعامل منظم و فعالی میان نهاد ناظر و حسابرسان مستقل بانک در طی جلسه‌ها وجود داشت، اما ارزیابی جامع و عمیقی از کیفیت حسابرسی توسط نهاد مذکور انجام نشد. این رابطه توسط هر دو طرف به‌عنوان یک رابطه باز و سازنده تلقی شده است. قبل از شروع حسابرسی نهایی، حسابرسان جلسه‌های مقدماتی دوجانبه‌ای با نهاد ناظر برگزار کردند. پس از اتمام حسابرسی، نهاد مذکور با حسابرسان و همچنین مسئولان بانک طی یک نشست سه‌جانبه ملاقات نموده و در مورد نتایج حسابرسی بحث و گفتگو کردند. علاوه بر این، نهاد ناظر، دو موسسه حسابرسی را ملزم کرد تا به‌عنوان حسابرسان مشترک برای بانکهای بزرگ عمل کنند به‌طوری‌که هر یک از آنها مسئولیت یکسانی در قبال حسابرسی برعهده داشته باشند. بازخوردهای به‌دست آمده از حسابرسان و مسئولین بانکها تایید می‌کرد که استفاده از این روش به کیفیت حسابرسی کمک کرده است.

نهاد ناظر همچنین حسابرسان مستقل را ملزم کرد که حداکثر پس از پنج ماه از تاریخ پذیرش استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ برای اولین بار، یک تایید حسابرسی از تاثیر روش اجراشده از روز اول ارائه کنند. در اکتبر ۲۰۱۷، نهاد ناظر یک مطالعه تاثیر کمی (QIS) ^{۶۹} استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را انجام داد و از تمامی بانکها درخواست شد که برابردی از تاثیر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بر کاهش ارزشهای اعتباری، نسبتهای کفایت سرمایه و سرمایه آنها ارائه کنند. هدف اصلی مطالعه تاثیر کمی این است که نهاد ناظر اطلاعاتی را در مورد تاثیر استاندارد

بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ از همان روز اول به‌دست آورده و از مداخله‌های نظارتی مورد نیاز آگاه شود. در سال ۲۰۱۸، بانکها پس از پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ موظف شدند مجموعه‌ای از اطلاعات مالی با هدفی خاص تهیه کنند که تاثیر واقعی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بر سود انباشته ابتدای دوره را نشان دهد.

پس از ورشکستگی دو بانک کوچک و شناسایی برخی فسادهای مالی، آفریقای جنوبی در زمینه کیفیت حسابرسی، سخت‌گیریهایی بیشتری اعمال می‌کند. هیئت نظارتی مستقل حسابرسان بر اساس قانون حرفه حسابرسی سال ۲۰۰۵ تاسیس شد و اکنون حدود ۴۰ پروژه جاری برای تقویت اعتماد به حرفه حسابرسی دارد. علاوه بر این، هیئت مذکور مجموعه‌ای از شاخصهای کیفیت حسابرسی را ایجاد کرده است تا ذینفعان بتوانند در کیفیت حسابرسی ایفای نقش کنند. بازرسیهای انجام شده توسط هیئت در ۵۰ تا ۶۰ درصد حسابرسیهای انجام شده، یک یا چند یافته مرتبط پیدا کردند که بسیار بالاتر از نرخ مشابه بین‌المللی آن که برابر با ۳۳ درصد است، می‌باشد (مجمع بین‌المللی مقررات‌گذاران حسابرسی مستقل (IFIAR)، ۲۰۲۰). لازم به ذکر است که هیئت نظارتی مستقل حسابرسان فقط بر حسابرسیهای قانونی نظارت می‌کند و بر آن دسته از حسابرسیهای نظارتی که در آن نهاد ناظر از حسابرسان مستقل بانکها می‌خواهد که انجام شود، نظارتی ندارد. اگرچه بین کار حسابرسی قانونی و نظارتی برخی همپوشانیها و هم‌افزاییها وجود دارد، ولی برخی از جنبه‌های کار حسابرسی نظارتی مستقل تر هستند.

تحقیقهای در حال انجام هیئت نظارتی مستقل حسابرسان از یک موسسه حسابرسی به‌دنبال ادعای همدستی شریک کار حسابرسی در ورشکستگی یک بانک، بر اهمیت انجام نظارت کافی بر کیفیت حسابرسی بانکی تاکید دارد. در واقع، پس از رسوایی فساد در بانک پس‌انداز وی‌بی‌اس (VBS) (Mutual Bank)، چندین بانک تصمیم گرفتند از یک موسسه حسابرسی متفاوت استفاده کنند و همچنین برخی دیگر از بانکها تلاش کردند با تکیه بر ابتکارهای خودشان یک گروه حسابرسی ایجاد کنند (مانند اضافه‌کردن کارکنان غیرمحل و

افزودن شرکای بررسی‌کننده مستقل).

چرخش اجباری موسسه حسابرسی و شریک موسسه، اولین بار در آفریقای جنوبی معرفی شد. قانون شرکتها بیان می‌کند که نباید یک شخص بیش از پنج سال متوالی به عنوان حسابرس یا حسابرس تعیین شده برای یک شرکت معین انتخاب شود. علاوه بر این، هیئت نظارتی مستقل حسابرسان یک قانون برای الزام چرخشی بودن موسسه حسابرسی پس از حداکثر ۱۰ سال صادر کرد که برای تمام بانکها و برای سالهای مالی که از ۱ آوریل ۲۰۲۳ و پس از آن شروع می‌شود، اعمال می‌گردد. هدف از این الزام به چرخشی بودن، تقویت استقلال حسابرس بدون اعمال فشار در یک بازار انحصاری با حسابرسیهای مشترک و الزامهای شدید در زمینه استقلال است.

نتیجه‌گیری

از ژانویه ۲۰۱۸، استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ چارچوب زیان اعتباری موردانتظار را معرفی نمود، که از روش‌شناسی زیان تحمل‌شده مورد استفاده در استاندارد بین‌المللی حسابداری ۳۹ متمایز است. زیان اعتباری موردانتظار هم بر زمان‌بندی ذخیره‌گیری، که این زمان‌بندی هنگام ایجاد اعتبارات، اجباری است (مرحله ۱)، و هم بر مبلغ ذخایر، به‌ویژه برای وامهای معوق (با عملکرد ضعیف) (مرحله ۲) تاثیر می‌گذارد؛ زیرا افزایش قابل‌ملاحظه در ریسک اعتباری، بانکها را ملزم می‌کند تا از مدل زیان اعتباری موردانتظار ۱۲ ماهه به سوی مدل زیان اعتباری موردانتظار در طول عمر که اطلاعات آینده‌نگرانه را در بر می‌گیرد، تغییر رویه دهند.

ما از طریق نظرسنجی و تعدادی جلسه‌های دوجانبه با نهادهای ناظر بانکی منتخب، پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه و اقتصادهای پیشرفته بررسی کردیم. بر اساس نتایج نظرسنجی فوق، اکثریت قریب به اتفاق پاسخ‌دهندگان (۷۸ نفر از مجموع ۹۱ نفر) استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را برای همه موسسه‌های مالی (۵۳ کشور) یا موسسه‌های مالی خاص (در ۲۵ کشور) پیاده‌سازی کرده‌اند، (در موسسه‌های مذکور قابلیت کاربرد استاندارد بین‌المللی

گزارشگری مالی ۹ بستگی به اندازه موسسه مالی دارد، خواه این موسسه در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد یا خیر، و خواه گزارشگری آن بر مبنای تلفیقی باشد یا جداگانه). علاوه بر این، ۱۳ کشور هم وجود دارند که هنوز استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ را پیاده‌سازی نکرده‌اند.

نظرسنجی فوق، چالشهای عمده‌ای را نشان می‌دهد که نهادهای ناظر بانکی و بانکها در طول پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ با آنها روبه‌رو هستند. دسترسی به داده‌ها و کیفیت پایین داده‌ها سبب می‌شوند که برآورد زیانهای اعتباری موردانتظار دشوار شود. برای آن‌که بتوان با ریسک مدلسازی مقابله نمود، اتکای بیش از حد به قضاوت مدیریتی وجود دارد که ناظران محدودکردن این ریسک را چالش برانگیز می‌دانند. ظرفیت محدود کارکنان از سوی مسئولان در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه از بررسی کافی مدل اعتبارسنجی بانکها و ورودیهای داده‌ها جلوگیری می‌کند. اکثر ناظران کوشیده‌اند تا تاثیر استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ بر بانکها را (به عنوان مثال، از طریق سازوکارهای گذار)، کاهش دهند.

جلسه‌های دوجانبه این امکان را به ما داد تا درک عمیقی از آن چالشهایی به دست آوریم که برخی از قلمروهای حاکمیتی در زمینه پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ با آنها روبه‌رو هستند. شایان ذکر است، از بین آنها، اتکای بیش از حد به مدلهای زیان اعتباری موردانتظار که توسط تامین‌کنندگان برون‌سازمانی ارائه شده‌اند و نیز عدم درک صحیح بانکها از متغیرهای اصلی این مدلها، از مهمترین چالشهای مورد بحث هستند. موضوع مهم دیگر نحوه اطمینان از یکنواختی معیارهای احتیاطی طبقه‌بندی اعتبار و فرایند مرحله‌بندی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است. البته اثر دوره‌ای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹، و نیز به دلیل زمان‌بندی این مقاله، که تهیه آن طی همه‌گیری کووید-۱۹ انجام شده است، همچنان بسیار حائز اهمیت است.

شیوع کووید-۱۹ انگیزه‌ای برای به تعویق انداختن پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۹ در برخی قلمروهای حاکمیتی شده است. برخی کشورها باور دارند که

در مورد این که آیا الزامهای استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ برای همه یا بخشی از جمعیت گسترده بانکها اعمال می شود یا خیر، بررسی کردیم. هر یک از گزینه های فوق، مزایا و معایب خاص خود را دارد، اما مهم است که از شرایط عادلانه بازی اطمینان حاصل نموده، و از آثار بالقوه آربیتراژ نظارتی اجتناب کنیم.

با توجه به این که ۶۹ درصد پاسخ دهندگان ریسک مدل سازی را چالش اصلی پیاده سازی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ بیان کردند، از این رو به شدت توصیه می کنیم که نهادهای ناظر بانکی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه، در توسعه مهارت های کمی سازی، سرمایه گذاری کنند. ما با آگاهی از محدودیتهای بودجه ای متقاعدکننده، راهکارهای به نسبت ساده ای را پیشنهاد می کنیم. اول، بهتر است که بخش بزرگی از کمک های فنی از طرق راه حل های فناوری اطلاعات انجام شود. دوم، چرخش کارکنان بین بخش های ثبات مالی و نظارت سبب تنوع تجربه آنها شده و از رویکردهای خودسرانه اجتناب می شود. سوم، برنامه های کاربردی فناوری نظارتی، جمع آوری داده ها و کنترل های کیفیت را ارتقا می بخشند. برنامه های مذکور همچنین می توانند در ثبت اعتبار مرکزی و استخراج نرخ های پیش فرض تاریخی و انتشار اطلاعات احتمال نکول، از جمله نحوه طبقه بندی یک وام گیرنده که توسط وام دهندگان مختلف مورد استفاده قرار می گیرد، به بانکها در ایجاد مدلهای زیان اعتباری مورد انتظار یاری رسانند.

چنانچه ناظران دانش عمیق و مناسبی از مدلهای زیان اعتباری مورد انتظار نداشته باشند، در اساس نمی توانند بانکها را به چالش بکشند. پیاده سازی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ به این معنا نیست که بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه باید به **رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی** متمایل شوند. در محیط هایی که ناظران بانکی توانایی ارزیابی مدلهای داخلی را ندارند، دستیابی به تسهیلات سرمایه برای بانکها به ویژه برای واحدهای تجاری فرعی بانکهای فعال بین المللی، به نسبت آسان است.

ممکن است بانکها در زمینه پیاده سازی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹، نیازمند رهنمودهایی باشند تا بتوانند

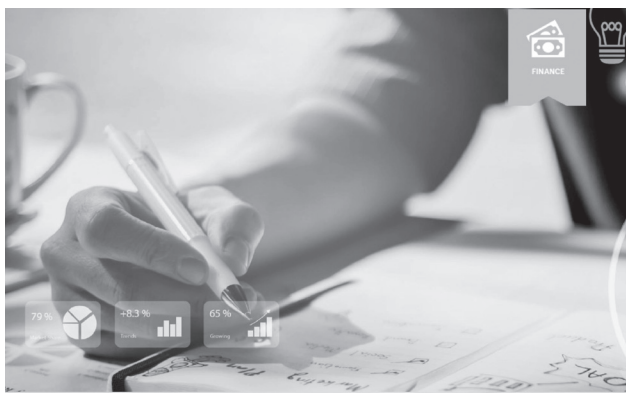
این همه گیری زمان مناسبی برای حرکت به سوی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ نیست؛ زیرا چنین تصمیمی زیانهای اعتباری اضافی را تشدید می کند، و به نوبه خود سبب تضعیف موقعیت سرمایه بانکها و تضعیف توانایی آنها در حمایت از اقتصاد می شود. به رغم آثار دوره ای استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹، به نظر ما، تصمیم درباره زمان بندی، نیازمند ارزیابی گسترده تر پیش شرطهایی نظیر کیفیت حرفه حسابرسی، سازوکارهای قوی راهبری در بانکها، و آشنایی با مدل سازی ریسک اعتباری در بانکها و کارکنان نظارتی است که برای پیاده سازی موثر استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ باید وجود داشته باشند.

اگر این پیش شرطها وجود نداشته باشند، بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه نباید برای پیاده سازی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ تعجیل کنند. بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه باید ظرفیت نظارتی خود را قبل از اختصاص منابع به پذیرش استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹، بهبود بخشند.

برای آن دسته از بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه ای که پیش از این استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ را پیاده سازی کرده اند یا قصد دارند به زودی اجرایش کنند، نظرسنجی مذکور و نیز جلسه های دوجانبه، توصیه های زیر را پیشنهاد داده اند. نهادهای ناظر بانکی، خواه قدرت تنظیم و صدور قواعد حسابداری را داشته باشند یا خیر، باید به دقت زمینه گذار را فراهم نموده، و رهنمود بین المللی کمیته نظارت بر بانکداری بازل را در نظر بگیرند. ناظران فوق می توانند یک کارگروه را مسئول پیاده سازی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ کنند، و به یکی از اعضای هیئت مدیره یا بالادستشان گزارش دهند تا این گونه تخصیص شفاف مسئولیتها سبب تقویت پیوند بین بالادست و پاسخگویی شود. کارگروه مذکور باید به ترکیب مناسب مهارتها، در حالت ایده آرمانی، مهارتهای حسابداری و کمی سازی، مجهز باشد، و باید بر مدیریت پروژه (برنامه ریزی، اجرا، گزارشگری و پیگیری)، از جمله تعیین تاریخ گذار، نظارت داشته باشد.

تعریف محدوده کاربرد استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹، یک انتخاب مهم است. ما گزینه های مختلف سیاستی را

روز قبل، نشان دهنده کاهش نسبت سرمایه عادی لایه ۱ در نتیجه افزایش زیان اعتباری موردانتظار باشد، در این صورت بانک باید اجازه داشته باشد که بخشی از زیان اعتباری موردانتظار افزایش یافته را در نسبت سرمایه عادی لایه ۱ خود برای دوره گذار لحاظ کند. قلمروهای حاکمیتی برای سالهای ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ ممکن است به بانکها اجازه دهند تا ۱۰۰ درصد مبلغ تعدیل گذار را به نسبت سرمایه عادی لایه ۱ اضافه کنند. 



پانوشتها:

- 1- International Accounting Standards Board (IASB)
- 2- International Financial Reporting Standard (IFRS)
- 3- Expected Credit Loss
- 4- International Accounting Standards (IAS)
- 5- Prudential Supervisors
- 6- National Bank of the Republic of North Macedonia, Bank of Italy, Central Bank of Brazil, Bank of Thailand, South Africa Reserve Bank, and National Bank of Rwanda
- 7- Emerging Markets and Developing Economies
- 8- Multiple-Tier
- 9- Risk-Weighted
- ۱۰- مرحله ۱ را ابزارهای مالی تشکیل می دهند که ریسک اعتباری آن‌ها از زمان شناخت اولیه افزایش قابل ملاحظه‌ای نداشته است؛ در عوض ویژگی مرحله ۲ افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری (SICR) از زمان شناخت اولیه است. مرحله ۳ وامهای کاهش ارزش یافته هستند. برای مرحله ۱، زیان اعتباری موردانتظار از رویدادهای نکولی محاسبه می شود

انتظارهای نظارتی را درک و برآورده کنند. در برخی موارد که رهنمودهای مذکور تنها چند ماه پس از اجرایی شدن استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ صادر شده اند، به تاخیرهایی اشاره کردیم. البته باید توجه داشت که همه پاسخ دهندگان به نظرسنجی، رهنمودهایی برای پیاده سازی را صادر نکرده اند، لذا تاخیر در این امر بهتر از انجام ندادنش است.

رهنمود نظارتی احتیاطی باید چگونگی اطمینان از یکنواختی معیارهای طبقه بندی اعتبار و فرایند مرحله بندی استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ را روشن کند. اگرچه تجارب میدانی نشان می دهند که همسویی کامل در این زمینه چندان ضروری نیست، اما هر **دارایی احتیاطی**^{۶۱} باید با یکی از سه مرحله استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ تطابق داشته باشد.

پشتوانه های احتیاطی سبب حفظ نسبت پوششی در برابر اختیارها و انتخابهای نامناسب مدل می شوند، اما پشتوانه های فوق باید براساس شواهد آماری نرخهای بازبایی تنظیم شوند. حذف به موقع وامهای غیرقابل وصول سبب تقویت ترازنامه بانکها می شود و به بانکها اجازه می دهد تا روی کسب و کارشان، یعنی، وام دهی به اقتصاد، تمرکز مجدد کنند.

ورود و خروج به و از مراحل ۲ و ۳ ابزار مالی، نیازمند نظارت است. بانکها و وام گیرندگان به ویژه در طول بحران همه گیری فعلی، بیشتر تمایل دارند که شرایط و ضوابط وامها را تغییر دهند (تجدید ساختار کنند). البته مذاکره مجدد یا اصلاح جریانهای نقدی قراردادی به الزام به افت کیفیت دارایی ختم نمی شود، اما بانکها را ملزم می کند تا ارزیابی کنند که آیا افزایش قابل ملاحظه در ریسک اعتباری محتمل است یا خیر. برگشت از مرحله ۲ به مرحله ۱ باید بر اساس سابقه عملکرد پرداخت به روز و به موقع و نه بر اساس شرایط قراردادی اصلاح شده باشد. نهادهای ناظر بانکی باید اطمینان حاصل کنند که نه بانکها و نه وام گیرندگان هر دو زیر فشار اشخاص وابسته، از این اقدامها سوء استفاده نکنند.

سپردهای سرمایه و سازوکارهای گذار ابزار اصلی مقابله با اثر دوره ای استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹ هستند. چنانچه نخستین ترازنامه بانک در اولین روز اعمال استاندارد بین المللی گزارشگری مالی ۹، در مقایسه با ترازنامه پایانی

- 48- Internal Rating Based (IRB) Approach
- 49- Loss Given Default
- 50- Adrian and Narain
- 51- D'Hulster, Salomao-Garcia, and Letelier
- 52- Baudino, Orlandi, and Zamil
- 53- Non-Performing Loans
- 54- Coehlo, Restoy, and Zamil
- 55- Risk-Weighted Assets
- 56- Monetary Authority of Singapore
- 57- World Bank Financial Sector Advisory Center
- 58- Gaston and Song
- 59- Front-Loading Losses
- 60- Kund and Rugilo
- ۶۱- رویکرد ایستا تنها یک محاسبه تعدیل انتقالی را مجاز می‌کند؛ اما رویکرد پویا امکان محاسبه مجدد دوره‌ای را در دوره گذار فراهم می‌کند.
- 62- National Bank of Rwanda
- 63- Exposure at default
- 64- Groepe
- 65- Jones
- 66- Global Public Policy Committee
- 67- Prudential Authority
- 68- Independent Regulatory Board for Auditors (IRBA)
- 69- Quantitative Impact Study
- 70- International Forum of Independent Audit Regulators (IFIAR)
- 71- Prudential Bucket

منبع:

World Bank Group, International Bank for Reconstruction and Development, 2021, "Accounting Provisioning under the Expected Credit Loss Framework: IFRS 9 in Emerging Markets and Developing Economies - A Set of Policy Recommendations".

که در عرض ۱۲ ماه پس از دوره گزارشگری ممکن هستند؛ برای مراحل ۲ و ۳، ذخیره زیان باید نمایانگر طول عمر زیان اعتباری موردانتظار، با در نظر گرفتن اطلاعات آینده‌نگرانه باشد.

- 11- Procyclicality
- 12- Replenished Capital Buffers
- 13- Standard-Setting Bodies
- 14- Supervisory Technology
- 15- Solely Payments of Principal and Interest (SPPI)
- 16- Fair Value Through Other Comprehensive Income (FVTOCI)
- 17- Incurred Loss Approach
- 18- Cumulative Delinquency
- 19- Significant Increase of Credit Risk (SICR)
- 20- Gross Domestic Product (GDP)
- 21- Probability of Default (PD)
- 22- Front-Loading
- 23- Common Equity Tier 1 (CET1)
- 24- Basel Committee on Banking Supervision
- 25- Relief Measures
- 26- Prudential Regulation Authority
- 27- European Banking Authority (EBA)
- 28- European Securities and Markets Authority (ESMA)
- 29- European Central Bank (ECB)
- 30- The Basel "Core Principles for Effective Banking Supervision"
- 31- The Financial Stability Board (FSB)
- 32- The Financial Accounting Standards Board (FASB)
- 33- The Memorandum of Understanding (MoU)
- 34- Borio and Restoy
- 35- Serrano
- 36- Current Expected Credit Losses
- 37- European Systemic Risk Board (ERSB)
- 38- Capital Conservation Buffer
- 39- Counter Cyclical Buffer
- 40- Global Systematically Important Banks
- 41- Bank of Thailand
- 42- National Bank of the Republic of North Macedonia
- ۴۳- قسمت ۱ شامل بانک‌هایی است که مجموع دارایی‌های آنها بیش از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) است یا فعالیت بین‌المللی مرتبط را انجام می‌دهند؛ قسمت ۲ شامل بانک‌هایی با مجموع دارایی‌های بین ۱ و ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی، و قسمت ۳ شامل بانک‌هایی با مجموع دارایی‌های بین ۰.۱ و ۱ درصد تولید ناخالص داخلی است.
- 44- Capital Requirement Regulation
- 45- European Commission (EC)
- 46- Central Bank of Brazil
- 47- Financial Institution Accounting Regulatory Requirements